

سال دوم دوره دوم

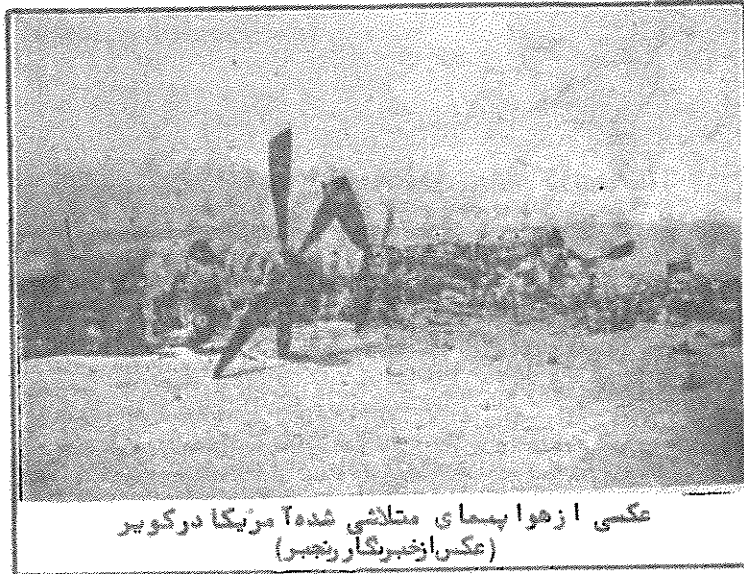
رنجبر

ارگان حزب رنجبران ایران

سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ۵۹ شماره ۵۱ تک شماره ۱۰ ریال

تجاوزگران آمریکائی و موقعیت جغرافیائی کویر

از ناو هواپیما بر آمریکائی تافرو دگاه سیاه کوه



عکس از هواپیمای متلاشی شده آمریکا در کویر (عکس از خبرنگار رنجبر)

شعار نه شرقی، نه غربی از حرف تا عمل

دست به هرکاری میزند، از طریق مزدورانش به نارضایتی ها دامن میزند. در کارهای تولیدی اخلال می کند و... و هیئت اقتصادی میفرستد تا با استفاده از نارضایتیها دولت را وادار به عقد قراردادهایی بکند که البته تا حدودی موفق گردیده است. ماجنا چه در طی سالهای اخیر دیده ایم روسیه به هیچ کشوری بدون چشم داشت کمک نکرده و نمیکند. هر کشوری که در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا به امپریالیسم نخواست روس تکیه کرده آخر سر بدامن آن غلطیده یقین در صفحه ۲

پس از گذشت یکسال واندی از پیروزی انقلاب خونین ایران و علیرغم خط استوار و استقلال طلبانه خلق ما مبنی بر ادامه خط "نه شرقی نه غربی"، در بخشی از هیئت حاکمه ایران با خط مداراجویی با ابر قدرت امپریالیستی روسیه و اتخاذ سیاست های نادرست در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا قطع وابستگی روبرو بوده ایم. در پی این انحرافات اخیراً شاهد بسته شدن بی سرو صدای قراردادها و پروتکل های عریض و طویلی با روسیه و برخی از اقمارش هستیم که در عمل برخلاف محتوی شعار نه شرقی نه غربی، قطع وابستگی به امپریالیسم، و استقلال ایران است. دلایل عمده این گرایش عبارتند از: ۱- انقلابی نصابی در سیاست خارجی، ۲- خوش خیالی نسبت به ابر قدرت روسیه و در نظر نگرفتن ماهیت امپریالیسم نخواست روس و اینکه در مبارزه علیه آمریکا میتوان از روسیه کمک گرفت. ۳- عدم توجه به پاسخگویی به احتیاجات روزمره ورفاهی توده ها. ۴- وجود بینشی نادرست که، چون خط ما "نه شرقی،

شان مورد استفاده قرار گیرد، لکن این تنها زمین سطح کویری نیست که می توانستند در آینده می تواندا ز طرف متجاوزین علیه میهن ما بکار رود.

از دریای عمال شانزدیکی تهران، یک دالان بزرگ ۱۵۰۰ کیلومتری وجود دارد که مناطق کویری را در بر میگیرد و دارای "نقاط کور" متعدد برای رادارهای ما است. بدین ترتیب، همانطور که نقشه مندرج در صفحه ۴ نشان میدهد، هواپیما ها هلیکوپتر های آمریکائی می توانند از روی ناو هواپیما بر "نیمیتس" مستقر در دریای عمان بلند شده و با استفاده از این دالان خود را به نزدیکی تهران برسانند.

گزارش مندرجه در این شماره رنجبر (صفحه ۴) که بر اساس اطلاعات رفقای حزبی ما تنظیم شده کیفیت جغرافیائی این نوار طولانی کویری و نیز مناطق سطح دیگری را که می تواند از جانب تجاوزگران بمنابه فرودگاه اضطراری مورد استفاده قرار گیرد، بروشنی نشان میدهد.

مقامات مسئول دولت و ارتش جمهوری اسلامی باید این مناطق را دقیقاً تحت کنترل قرار داده و از استفاده آینده آنها توسط تجاوزگران آمریکائی و یا هرمتجاوز دیگری جلوگیری نمایند. بقیه در صفحه ۴

اخیراً " سیاه پاسداران موفق به کشف فرودگاه سیاه بانی " سیاه کوه " در ورامین در نزدیکی تهران گردیدند. بر طبق اسنادی که متجاوزین آمریکائی بجای گذاشته بودند، این فرودگاه می بایست توسط آنها برای مراحل بعدی اقدام نظامی

اعلام حرم نامه رفیق مجید زربخش، مدیرمسئول و سردبیر نشریه خلق به دادستان انقلاب اسلامی

اعلامیه دبیر خانه حزب رنجبران ایران

اعتراض

به تصمیم دادستان انقلاب اسلامی مرکز

حقوق انحصار طلبی را بر سر ما و دیگر مبارزان استقلال خواه نگویید که آنوقت ما را بر آن میدارید که در ماهیت این عمل شک کرده و از خود سؤال کنیم، نکنند دستی در کار ملت ما سلب کند؟

رئیس جمهور بنی صدر میگوید باید آزادی باشد. رئیس جمهور انحصار طلبی را محکوم میکند، آنوقت دادستان انقلاب

دستور توقیف "خلق" ارگان سیاسی-تئوریک حزب رنجبران ایران و ۳۹ نشریه دیگر که شما صادر کردید را با دقت مطالعه کردیم. ضمن اعتراض شدید به این امر و رد افتراها و تهمتها به نشریه "خلق" از قبیل بهره ریز انقلابان این بشتوانه استقلال و آزادی نوین میکنند" و یا "تمام مقدسات اسلامی مان را به باد استهزا میگیرند و از هیچگونه توطئه و افترا علیه

دادستانی انقلاب اسلامی مرکز طی اعلامیه های ۴۰ نشریه و از جمله نشریه "خلق" ارگان سیاسی-تئوریک حزب رنجبران ایران را توقیف اعلام کرد. خصوصیت این "فرمان" صادر شده، همانند بسیاری از اقدامات مشابه ایست که بدون هیچگونه تفکیکی تعدادی از نشریات گوناگون را که دارای نقطه نظرات متفاوت و گاهی متضاد در برابر جمهوری اسلامی ایران هستند یکجا بر گسی اتهام مینماید. بر طبق این حکم خودسرانه از انتشار "خلق"، "بلعت سوا" استفاده از

آزادی"، "توهمین" به رهبر انقلاب"، "بهاستیزا" گرفتن تمام مقدسات اسلام و بالاخره "توطئه و افترا علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران" جلوگیری شده است. این اقدام دادستان انقلاب

کنفرانس اوپک

به ۴ نتیجه مهم رسید

در صفحه ۴

نامه به «رنجبر»

هر چه زودتر

وزیر سپهر، روس و مصر، و سایر...
حکومت جمهوری اسلامی ایران
کوتاهی نمیکنند. "بیش از این
درخط آمریکا حرکت نکنند"، توجه
شماره نکات زیر جلب میکنیم:
(۱) این تصمیم شما نقض آشکار
آزادیهای مصرح در قانون اساسی
جمهوری اسلامی میباشد.

(۲) حزب رنجبران ایران سازمان
ها و کادرهای تشکیل دهنده آن که
سابقه طولانی بیش از ربع قرن
مبارزه ضدامپریالیستی و ضد رژیم
منفور پهلوی دارند و رهبرانی از آنها
سالها در زندانهای دزخیمان ساواک
بسربرده و سختترین شکنجهها را
تحمل نمودهاند حزبی که خون
شهیدانش گواهی بر مبارزات
و مقاومت خونین آنهاست.

این چنین حزبی که مصلی سیاسی آن
در این مرحله از انقلاب کشورمان،
اتحاد بزرگ ملی- با مضمون
استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
است و پرچمدار مبارزه علیه هرگونه
وابستگی و علیه امپریالیسم آمریکا
و عمالش، علیه سوسیال امپریالیسم
شوروی و عمالش میباشد. این چنین
حزبی که برای وحدت کلیه نیروهای
ضد امپریالیستی و بخاطر تکامل
انقلاب و به خاطر ادامه مصلی نه
شرقی نه غربی جمهوری اسلامی،
مبارزه کرده و میکند. آنوقت آقای
دادستان انقلاب چگونه به خود حق
میدهند چنین تهمتیهایی را بر
نشریه "خلق" ارگان سیاسی -
تئوریک حزب روا دارید.

(۳) نشریه "خلق" ارگان سیاسی -
تئوریک حزب رنجبران ایران بوده و
نزدیک یکسال است که درخواست حق
امتیاز آن در کمیسیون بررسی
مطبوعات وزارت ارشاد ملی مورد
بررسی است و نه تنها هیچگونه نشانه
ای از رد حق امتیاز به آن در دست
نیست بلکه ما از وزارت ارشاد ملی
گواهی رسمی برای انتشار خلق تا
دادن حق امتیاز، در دست داریم.
نشریه خلق همیشه در سمت انقلاب
اسلامی ایران به رهبری امام خمینی
ایستاده و از انقلاب بزرگ مادفاع
و علیه دشمنان آن و عمال دواپ
قدرت پیش از همه و در پیشانی همه
مبارزه کرده است. باتوجه به این
مطلب آیا اینکار آشکارا قانون اساسی
را پایمال نکرده است و آیا مز بین
مطبوعات استقلال خواه و انقلابی را
با مطبوعات مزدور و ضد انقلابی
مخدوش نساخته است؟

(۴) آزادی دادنی نیست. گرفتنی
است. ما بر این عقیده بوده هستیم
که این انقلاب بزرگ مردم و مبارزه
کلیه احزاب و سازمانهای انقلابی و
استقلال خواه بود که آزادی را برای
مردم ما به ارمغان آورد.

آنوقت دادستان انقلاب با یک
گردش قلم دهها نشریه را توقیف
میکند. آیا این حکایت از وجود
چند مرکز قدرت و تصمیم گیری
نمیکند؟ آیا بار دیگر "سرگرمی"
جدیدی رابه راه نمیاندازد تا ضد
انقلاب، انحصارطلبان و چپ نماها از
آن سوءاستفاده کرده و در این موقعیت
خطیر انقلاب ماکه احتیاج شدید
به آرامش و تحکیم انقلاب است، هرج
و مرج را دامن زنند.

(۵) اینکه اتهامات در مورد نشریات
دیگر تاجه حد صادق است. خود
آنها این مساله را روشن خواهند کرد
تا آنجا که به ما مربوط میشود این عمل
یا ناشی از بی اطلاعی و یا از ماهیت
و روحیه دیکتاتوری بومسند قدرت
نشسته، بر میخیزد که زور را بدون
هیچگونه منطقی و تمایزی بکار میبرد.
آیا این کار ناشی از توطئه ای انحصار
طلبانه نیست که انسان را کور میکند
و حقیقت را نادیده میانگارد و خوب را
بد جلوه میدهد؟

آقای دادستان، شما دهها نشریه
و روزنای وابستگان به ابر قدرت
شوروی، این امپریالیسم تجاوزگر به
همسایه ما افغانستان را آزاد می-
گذارید. آیا سنگ رانستهاید و سنگ را
آزاد گذاشتهاید؟ آقای دادستان شما
که خود را مدافع جمهوری اسلامی و
انقلاب اسلامی میدانید، بیدار شوید
و ببینید چه کسانی واقعا دشمنان
انقلاب ما هستند. دست از ظاهر
بینی بردارید، خرس قطعی جنگال-
هایش را تیز کرده، ارتشش را به دور
نصف بیشتر مرزهای ما روانه داشته
و هوای آبهای جنوبی و گرم ما او را
به جنون تجاوز وطمه کشانده است.
آنوقت شما وظیفه خود را مبارزه علیه
نشریه ما قرار دادهاید؟ ما لیست ۴۰
نشریه را که نگاه می اندازیم، مینویسیم
اکثر آنها نشریاتی هستند که کم و بیش
از حزب توده و امپریالیسم شوروی
تمایز دارند آیا مبارز شما در توقیف
نشریات چنینه سیاسی نداشته است و
در دستگاه اداری شما عمال ابر قدرت
شوروی نفوذ نکردهاند؟

ما از شما مصفا میخواهیم فوراً با
انتشار دستوری جدید رفع توقیف از
نشریه "خلق" بنمائید.

دبیرخانه حزب رنجبران ایران
۱۳۵۹/۲/۲۲

رونوشت: به دفتر ریاست جمهوری
وزارت ارشاد ملی
و کلیه رسانههای گروهی و نشریات
احزاب و سازمانهای سیاسی

نه بصورت استوری از خود مصلی،
تظاهری از رواج هرج و مرج و دامن
زدن به تحریک و نشانه بارز عدم
احساس مسئولیت در برابر خلق و
انقلاب است، خود بیش از هر چیز دیگر
نشانه به استهزا گرفتن مقدسات
اسلام و اقدام علیه حکومت جمهوری
اسلامی و قانون اساسی ایران است.

این اقدام دادستانی نقض آشکار
قانون اساسی و بویژه اصول ۳، ۹،
۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۳۷، ۶۱، ۱۶۶،
۱۶۸، ۱۷۱، آتست و در تضاد آشکار
بالایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۰
مرداد ماه شورای انقلاب جمهوری
اسلامی ایران میباشد.
بقیه در صفحه ۲

گردهمائی انقلاب فرهنگی

گامی مثبت در جلو گیری از اعمال زور در دانشگاهها

مضمون سیاسی اساس وحدت است نه ترکیب اجتماعی گروهها

گرد هم آیی انقلاب فرهنگی
اسلامی ایران به ابتکار ابوالحسن
بنی صدر رئیس جمهور و از طرف
دفتر هماهنگی همکاریهای مردم با
رئیس جمهور از صبح روز چهارشنبه
۱۷ اردیبهشت ماه در تالار ابوریحان
دانشگاه ملی برگزار شد و پس از چهار
روز بحث و تبادل نظر بایک جلسه
جمع بندی در روز شنبه ۲۰ اردی
بهشت ماه بکار خود پایان داد.
خلاصه آنچه را که در طول

این گرد هم آیی بیان شده است
میتوان در خطوط کلی زیر خلاصه کرد
که بیانگر اهداف نیروهای شرکت
کننده از انقلاب فرهنگی بود:
- انقلاب فرهنگی یعنی ابداع
و تولید بر پایه استقلال ایران.
- واژگون کردن فرهنگ سلطه
گر غربی و شرقی از کلیه زمینههای
اجتماعی و سیاسی ایران.
- بذیرفتن حق ابتکار و
خلاصیت برای مردم ایران و دوری
جستن از فرهنگ تقلیدی.

... بکار بردن علم و دانش که
نتیجه قرنها تلاش بشریت برای
رسیدن به رفاه و عدالت اجتماعی و
پیروزی بر مشکلات بوده است.
- جلوگیری کردن از حاکمیت
اعمال زور بر دانشگاهها و سایر مراکز
آموزشی و جایگزین کردن حاکمیت
اندیشه بر زور.
- دوری جستن از تعصب در

علم

اطلاعات را از حاکمیت مزدوران روسیه خارج کنیم

در صفحه ۲
اوج گیری
مبارزات در
افغانستان
در صفحه ۵

نه عربی است پس تواردادها و...
نمیواند مارا با انحراف و سازش با شرق
بکشاند.
درباره مورد اول به تفصیل در
سرمقاله شماره پیش نوشته شده است
اما درباره موارد بعدی:
باتوجه به اینکه روسیه در پی
سرکرده گزایی بر جهان است و بایک
نقشه استراتژیک مبین پیشروی میکند،
ایران در نقطه حساس این نقشه قرار
گرفته و میتواند بنابیناسکوی پرش
روسیه برای خیزهای بعدی اش مورد
استفاده قرارگیرد. بهین دلیل
روسیه از هر چیزی استفاده میکند تا
ایران رابه پایگاه خود تبدیل کرده و
با کنترل نفت و انرژی اروپا و ژاپن،
قسمتی از نقشه استراتژیک خود را
تحقق بخشد، و برای انجام این عمل

دره های فقر بریزیم و زندگی متوسطی
برای همه ایجاد کنیم.
- ابتدا باید به قطع وابستگی
اقتصادی و سیاسی با غرب پرداخت و
پس از آن به انقلاب فرهنگی دست
زد.
- و بالاخره، باید در حوزه
علمیه نیز انقلاب فرهنگی بشود.
با توجه به اظهار نظرهای
سخنرانان، در این گردهم آیی که بسا
بقیه در صفحه ۲

حمله باند کبانوری به کومه و موضع ما

کردستان تطهیر کرده و آنها را صلح
طلب جابزند، آتش حمله خود را بر
روی نیروهای متمرکز ساخته که اگر
چه دچار انحرافات شدید" چپ
روانه" هستند، اما نیروهای غیر
وابسته به بیگانه میباشد. از جمله
این نیروها "کومه" (سازمان
انقلابی زحمتکشان کردستان ایران)
قرار دارد که از طرف حزب توده
"وابسته به بعث و آمریکا" معرفی
میشود.
بنظر ما "کومه" سازمانی است که
از میان روشنفکران و زحمتکشان
مبارز کردستان بیرون آمده است،
بقیه در صفحه ۶

- عمده کردن فرهنگ ایرانی
در انقلاب فرهنگی.
- عمده کردن فرهنگ اسلامی
در انقلاب فرهنگی.
- دانشگاه باید به درون
مردم برده شود.
- تکیه کردن به دو عنصر
فرهنگ اسلامی و فرهنگ ایرانی در امر
پیاده کردن انقلاب فرهنگی و رسیدن
به موفقیت در مقابل فرهنگ شرقی و
غربی.
- باید قله های ثروت را به

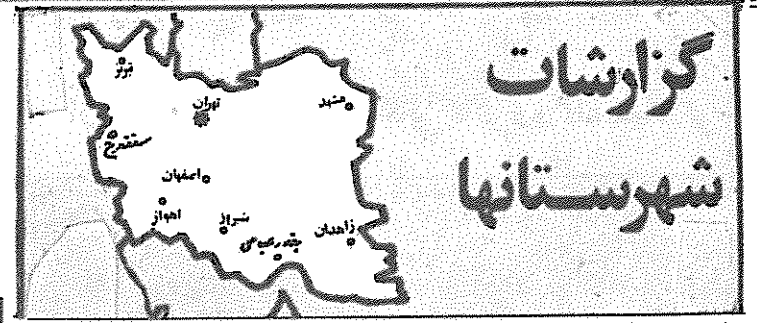
باشدت گرفتن جنگ ویرادرکشی
در کردستان، یاند کبانوری این عامل
م تقیم سوسیال امپریالیسم روس می
کوشد تا بنفع خود از آب گل آلود
ماهی بگیرد. این دارودسته مزدور
بیگانه، در حالیکه از یکسو برای صلح
و همبستگی ضد امپریالیستی" اشک
میریزد، از سوی دیگر برای همدستان
روسی ماب خود در کردستان (دارو
دسته بلوریان در حزب دمکرات)
دلالتی کرده و میکوشد تا قدرت را در
کردستان به آنان منتقل سازد.
باند کبانوری در حالیکه میکوشد
دارودستههای وابسته به روس را در

ایات فکر اساسی و درست

وقابل اجرا برای قیمتها بکنید

در روزنامهها بخوانید و ببینید از
این همه شهدایی که مردم داده اند
چند کارگر و زحمتکش بوده اند و چند
نفر سرمایه داران و مردم ثروتمند.
هفتاد هزار شهید از چه طبقاتی
هستند؟ آیا واقعا شما اسم یک نفر
تاجر بولداری بایک صاحب شرکت یا
صاحب کارخانه را در بین شهدا
دیدهاید، راستی مگر این طبقه
محروم نبود که علیه ظلم و بیادگری
ظفیان نمود؟ مگر این طبقه محروم
نمود که جان خود را نثار کردند تا ما
فردای بهتر داشته باشیم؟ پس چه
شد؟ چرا دولت انقلابی اقدامات
وسیتری برای رفاه زحمتکشان انجام
نمیدهد؟ همین زحمتکشان اکنون زیر
بار گرانی هزینه زندگی گمرازان خم
شده است. گرانی بیداد میکند. قیمت
هر چیز بالا رفته است و روز بروز هم
بالا تر میشود. روشن نیاتی را که در
زمان رژیم قبلی آزادانه میتوانستیم
بگیریم حالا نمیشود پیدا کرد و اگر
هم پیدا شد با کارت میدهند. شاید
یک نفر نمیتواند برود کارت بگیرد
باید روغن نیاتی نداشته باشد. البته
هنوز عمدهای هستند که برایشان فرق
نمیکند که گران باشد یا ارزان چون
اینها مستکبرین جامعه هستند. ولی
اکثریت مردم ما مستضعف هستند،
همانهایی که انقلاب کردند و کشته
دادند آنها زندگیشان روز بروز مشکل
تر و ناراضی تر میشوند. این درست
است که عوامل ضد انقلاب هم به
ناراضی تر شدن مردم دامن میزنند
ولی مقامات مسئول هم در این مورد
متصرفند. در عرض یکسال گذشته
خوبی کارها میشد کرد. دولت می-
توانست با تدبیرهای عالمانه جلوی
بالا رفتن و جحشتناک قیمت هارا
بگیرد. اگر مقامات مسئول هرچه
زودتر با اقدامات انقلابی و قاطع
مشکلات حیاتی مردم را حل نکنند
مردم بازم ناراضی تر خواهند شد
و اگر روزی برسد که مردم زحمتکش ما
از انقلاب ناامید شوند باید گفت که
بزرگترین ضربه به انقلاب ما وارد
شده است، من بعنوان یک دانش آموز
و فرزند کشاورز از رئیس جمهور و سایر
مقامات میخواهم که هرچه زودتر یک
فکر اساسی و درست و قابل اجرا برای
قیمت ها بکنند. میدانیم که این
کارها آسان نیست ولی مطمئنا اگر

بقیه در صفحه ۶



اعتراض مردم زابل به پاسداران

زابل - ۹ اردیبهشت - برنامه صبحگاهی رادیو زابل که به زبان محلی اجرا می شد بعلت انتقاد سپاه پاسداران تعطیل شد و سه تن از گردانندگان رادیو نیز توسط پاسداران دستگیر شدند. در پی این جریان مردم و خصوصا جوانان شهر در جلوی مقر سپاه پاسداران اجتماع کردند و تهدید کردند که در صورت آزاد نکردن آن سه نفر دست به اعتصاب و تحصن خواهند زد. سرانجام سپاه پاسداران آن سه تن را آزاد کرد و مردم با شور فراوان آنها را به دوش گرفته و تا محل رادیو بردند.

این برنامه رادیو بخاطر اینکه از مشکلات مردم شهر و روستا و به زبان محلی اجرا می شود، طرفداران زیادی پیدا کرده است.

تظاهرات افغانهای مقیم زاهدان

زاهدان - ۷ اردیبهشت - حدود ۵۰۰ نفر از افغانیها مهاجر مقیم زاهدان تظاهراتی بر علیه تجا و زنا و نظا می سوسیال امپریالیستهای روسی به خاک افغانستان برپا کردند. تظاهرات کنندگان همچنین گستاخ بریرحمانه مردم مبارز افغانستان را توسط میگ های روسی محکوم نمودند.

شعارها در این تظاهرات چنین بودند:

"آمریکا، شوروی دشمنان خلقهای مسلمان جهان هستند"

"شوروی نابود است، افغان پیروز است"

حمله به هواداران حزب رنجبران

کمیته ها را از وجود عناصر ناباب پاک کنید

گزارش زیر را هواداران حزب رنجبران از جریان حمله و ضرب و شتم پاسداران کمیته ۱۲ (ستاد عملیاتی شماره ۷) به این هواداران برای مآر سال داشته اند.

خلق که بصورت مسالمت آمیز و عمدتا بحث سیاسی حل میشود با شیوه های نادرست، کتک، زور و فحاشی این مسائل را حل نماید.

در اینجا ما هواداران حزب رنجبران ایران بعنوان نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه که برجم راستین مبارزه بر علیه ابرقدرتها را در دست گرفته ایم شدیداً به عمل آن دسته از پاسدارانی که دست خود را بر روی نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه بلند کرده و آنها را

پنجشنبه گذشته جمعی از هواداران حزب رنجبران ایران برای نوشتن شعارهای حزب به جاده ساوه رفته بودیم. هنگامیکه مشغول نوشتن شعار نه آمریکا نه روسیه ایران مال ایرانیه، بر روی دیوار

گردهمائی انقلاب

استقبال وسیعی نیز روبرو بود علی رغم وجود جنبه های مثبت، حاوی یک کمبود اساسی بود که بعلت عدم وحدت سیاسی و روشن نبودن مضمون آن بین نیروهای شرکت کننده، این گردهمایی به اهداف اصلی خود دست نیافت. زیرا بدون وحدت سیاسی بین نیروهای استقلال طلب در مبارزه علیه امپریالیسم، بخصوصی دوا بر قدرت آمریکا و روسیه و بدون در نظر گرفتن مضمون این وحدت سیاسی که همان سه اصل: استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی میباشد، هرگونه نیت خوب و مثبت در اوضاع فرج و بر هرچ وجه کشور ما به نتیجه نخواهد رسید. بدلیل اینکه ترکیب اجتماعی گروه های شرکت کننده در امر وحدت اساسی نیست بلکه مضمون سیاسی این وحدت اساسی را تشکیل میدهد.

بنابر این با توجه به اینکه در این گرد همایی جریان عمده را جریان وحدت طلبی و فراهم کردن شرایط مساعدی برای حاکمیت دولت منتخب مردم تشکیل میداد ولی درست بدلیل همین کمبود اساسی بقول آقای شمس آل احمد بجای اینکه گردهمایی به بحث و تبادل نظر بر محور "میزهای گرد" بیانجامد، در ساعات پایانی خود تبدیل به میز عریض و طویلی شده بود. بطوری که بعضی از شرکت کنندگان در هاون تریبون آزاد گردهمایی اجناس ویژه خود را می گوبیدند و تحویل حاضرین میدادند.

از طرف دیگر با اینکه سازمان دادن چنین محیطی برای اظهار نظر نیروها امر بسیار مثبتی است و شرایط را برای نزدیک شدن افکار و نقطه نظرها فراهم میکند، ولی بازم بدلیل همان کمبود اساسی، برای شیوه پیاده کردن انقلاب فرهنگی نقطه نظرهای متفاوت ارائه می گردد. زیرا علی رغم اینکه اکثر شرکت کنندگان در امر واژگون کردن فرهنگ غربی تکیه میکنند، اما دید متفاوت در چگونگی پیاده کردن وحتی مضمون انقلاب فرهنگی ارائه میدهند.

بهمین دلیل است که آقای بنی صدر انقلاب فرهنگی را به معنای حاکمیت ملت بر سر نشو و خویشتن و تمرکز در ابداع و تولید در جامعه و تحکیم دولت منتخب مردم بمطابق نیروی واقع احاطه گشته،

شعار...

ووابسته یا مزدور و عامل عملکردها و سیاستهای سلطه جویانه روسیه شده است. برای مثال ویتنام و کوبا که هم اکنون هردو بمطابق با زوری مسلح و زاندارم روسیه عمل میکنند. در مبارزه ضد امپریالیسم باید به خود یعنی به توده ها که انقلاب کنندگان و سازندگان واقعی تاریخ هستند تکیه کرد.

دولت بعد از بیروزی انقلاب بعلت نابسامانی اوضاع اقتصادی کشور و عدم ثبات سیاسی، که بیشتر از طریق مزدوران روسیه دامن زده میشد و نداشتن برنامه روشن و جامع اقتصادی نتوانسته برنامه لازم را برای رشد تولید ملی برپایه نیازهای مردم و ایجاد کار و... پیاده کند و به این دلیل با جواب ندادن به نیازهای رفاهی و معیشتی مردم که عامل تعیین کننده در مبارزه استقلال طلبانه هستند، به نارضایتی توده ها دامن زده است. حال بخشی از هیئت حاکمه برای جلوگیری از رشد نارضایتی توده ها دست به دامن سوسیال امپریالیسم روسیه، که از ابتدا خواستش این بوده و بانقشه حساب شده ای توسط مزدوران عمل میکرده، میشوند و قراردادهای و پروتکل های اقتصادی با آن میکنند.

قطع واردات از یک ابر قدرت و انجام معاملات با ابر قدرت دیگر، طریقه مبارزه با امپریالیسم و قطع وابستگی اقتصادی و وابستگی به نیاز واقعی مردم نیست. استقلال همه جانبه واقعی وقتی بدست میاید که دولت بجای کمک گرفتن از روسیه، با ایجاد ثبات سیاسی و تدوین برنامه مشخص اقتصادی، به رشد صنایع و تولیدات ملی کمک نماید، برای بیکاران کار ایجاد کند. تولیدات را بر پایه نیازهای مردم به پیش برد. با اتخاذ یک سیاست صحیح عدم وابستگی به دوا بر قدرت آمریکا و روسیه مناسبات را با جهان سوم گسترش دهد و در ایجاد یک جبهه وسیع مقاومت در مقابل تهدیدات دو ابر قدرت فعالیت کند و از امکانات موجود در عرصه بین المللی، تضاد بین امپریالیستهای دیگر با ابر قدرتها استفاده کند و با کشورهای که امکان گسترش روابط با آنها موجود است، بر اساس سود و صرفه متقابل ارتباط برقرار کند و به ایجاد ایرانی مستقل و منکی بخود کمک نماید.

در بین بخشی از هیئت حاکمه

اعلام جرم... آقای دادستان انقلاب:

بینشی نادرست نیز موجود است که فکر میکنند چون شعار "نه شرقی، نه غربی" را سر میدهند و در حرف مبنای حرکت انقلاب به پیش را "نه شرقی نه غربی" قرار داده اند، پس هر عملی انجام دهند و هر قراردادی ببندند، لطمه ای به این خط نخواهد خورد. این دید بسیار انحرافی است چون در واقع عمل، تعیین کننده میزان وابستگی و استقلال است نه حرف یا شعار. در حقیقت این حرف و خواست که ما نمیخواهیم وابسته شویم خوبست اما تعیین کننده نیست. این عملکرد ماست که امپریالیسم روسیه میخواهد و میتواند از آن بنفع خود و در جهت مقاصد سرکرده گرایانه اش استفاده کند.

بنابراین برای جلوگیری از خطر وابستگی به شوروی در مبارزه با آمریکا، باید با توهم نسبت به اهداف ابر قدرت شوروی و همچنین با انقلابی نمایی در سیاست خارجی (حمله بی تمایز به غرب، جدانگردن آمریکا از اروپا) که ما را ناگزیر به سوی ابر قدرت شوروی میکشاند، مبارزه کرد. باید به توده ها تکیه نمود و بر آوردن خواسته های اساسی آنها را سر لوحه برنامه خود قرارداد. و باید در عمل برای تحقق شعار "نه شرقی، نه غربی" کوشید و به بیان لفظی آن اکتفا نکرد.

اتفاقاً، دولت جمهوری اسلامی تجارب مثبت متعددی نیز در مبارزه علیه ابر قدرت شوروی دارد. یکی از مهمترین این تجارب، مبارزه بر سر موضوع گاز است که طی آن ایران موفق گردید قیمت گاز صادراتی به شوروی را علی رغم مخالفت ها و تهدیدهای کرملین به پنج برابر افزایش دهد. باید این تجارب مثبت مبارزاتی را نمونه قرارداد و با مدارا جویی مبارزه نمود.

ماعتقدیم که بخاطر وجود این تجارب مثبت، بخاطر نفوذ ریشه دار سیاست نه شرقی نه غربی در توده های مردم و بخاطر وجود شخصیت های استقلال طلب در راس امور مملکتی، کرملین موفق نخواهد گردید به این آسانی جای واشنگتن را در میهن ما اشغال کند. لکن این امر به هیچ وجه از ضرورت نمیکاهد.

مداراجویی در میهن ما راه درازی را نمیتواند طی کند و مردم ما در صورت تشدید تعرض و تهدید ابر قدرت روس بیشتر از گذشته در برابر آن بسیج خواهند شد و سد مقاومت ضد امپریالیستی میهن ما را تقویت خواهند کرد.

اخبار فیهروهای سیاسی

نقدی بر «تحلیل چریکها» از پیام امام

"دفتر تحکیم وحدت" یکی از نیروهای اسلامی مبارز، طی نقدی بر تحلیل اهانت آمیز سازمان چریک های فدایی ("کار ۵۲") نسبت به پیام نوروزی امام، اتهام "ضد کمونیست بودن پیام امام را واهی می داند و می نویسد: منظور ایشان از کمونیسم بین الملل، کشورهای جهان خوار کمونیستی و بطرز بارز ابر قدرت شوروی است." "دفتر تحکیم وحدت" از قول امام نقل می کند: "هر دو ابر قدرت کمر به نابودی ملل مستضعف بسته اند و ما باید از مستضعفین پشتیبانی کنیم."

"دفتر تحکیم وحدت" در حالی که به افشا و نفی شعار "نه شرقی نه غربی" از سوی فدائیان می پردازد، مینویسد: "در منطق ایشان و همینطور جیبی کارتر به غیر از وابستگی به شرق یا به غرب شق سومی وجود ندارد و وقتی که امام مخالفت خود را با هر دو ابر قدرت ابراز می دارند، ناگزیر می شوند امام را دارای دو بعد ضد امپریالیستی و ارتجاعی بدانند."

سپس می افزاید: "ای فدایی یان: توده های محروم نمی خواهند زیر سلطه غرب جنایتکار یا شرق متجاوز قرار گیرند چرا که از یکطرف تجاوز شوروی به خاک افغانستان و اشغال سبانه آن جا را می بینند و از طرفی روسی و هم آغوشی و دست در دست گذاردن بر ژرف و کارتر را."

اعتراض به اعدام دانشجویان هوادار «پیکار»

روز یکشنبه ۱۴ اردیبهشت، تظاهراتی در اعتراض به اعدام دو دانشجوی دانشگاه اهواز، در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز برگزار گردید. در این تظاهرات از سوی هواداران سازمان پیکار اعلام

ایران مال ایرانیه، بر روی دیوار بودیم با عده‌ای از پاسداران کمیته شماره ۱۲ ستاد عملیاتی شماره ۷ روبرو شدیم. در این هنگام یکی از پاسداران کمیته پیش آمده به بدترین شکلی شروع به کتک زدن ما نمود و سپس همگی رابه کمیته شماره ۱۲ جاده ساوه پرد.

در آنجا ما به بازداشت ونوع برخورد وحشیانه پاسدار فوق‌الذکر اعتراض کردیم. در جواب به ما گفتند که شب انتخابات است و تبلیغات ممنوع می‌باشد. ما توضیح دادیم که تبلیغ به نفع یا بر علیه کاندیداها ممنوع است نه کارهای دیگر تبلیغاتی. ولی افراد کمیته به هیچ وجه برخورد منطقی نداشتند و از آنجا ما را به کمیته سعد آباد بردند.

بالاخره ساعت ۷ صبح کشیک جدید که می‌آید با توجه به حرفهای ما و اینکه اقدامشان عمل درستی نبوده‌است ما را آزاد میکنند. اخیراً جو ناسالمی در برخورد به نیروهای سیاسی بوجود آمده‌است که میخواهد بجای حل صحیح تضادهای درون

از دیحویه بسند درده و نهایت را مورد اهانت قرار میدهند اعتراض مینمائیم.

ما معتقدیم که در کمیته‌ها عناصرناصالحی نیز وجود دارند که بکلی آزادی‌های تصریح شده در قانون اساسی را زیر پا میگذارند. ایندسته از افراد که این چنین به حرمت مقدس آزادی توهین مینمایند در واقع خون هزاران هزار شهید راه آزادی و استقلال را به هیچ گرفته‌اند. ما از مقامات مسئول سؤال میکنیم که چرا به امر پاکسازی کمیته‌ها از عناصر ناپاب توجه نمی‌نمایند؟

کمیته‌ها باید از افرادی که به جای قرار گرفتن در سگراستقلال و آزادی، آگاهانه یا نا آگاهانه به اعمال غیر قانونی وانحصار طلبانه اقدام می‌ورزند و در صف وحدت ملی بر علیه ابرقدرت‌های آمریکا و روسیه خدشه وارد مینمایند، پاک سازی شوند.

ما از مسئولین امور خواستار جدیت در امر پاکسازی کمیته‌ها و برخورد درست به نیروهای سیاسی می‌باشیم.

بسمه بیروی و سحر، جریب سور تفسیر می‌کند و خواستار جلوگیری از اعمال زور در دانشگاهها میگردد. عده‌ای دیگر از تصفیه عناصرناپاب در دانشگاهها سخن میگویند و انقلاب فرهنگی را در آن خلاصه میکنند وعده دیگری نیز از تعطیل شدن دانشگاهها و رفتن به مزارع سخن می‌گویند.

برنامه حزب رنجبران ایران در مورد محتوا و مضمون انقلاب فرهنگی اعلام میکند که باید با بسیج توده‌ها و متخصصین فرهنگی در انتقاد و طرد فرهنگ امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی و فئودالی کوشید و با تکیه به نیروی خود و استفاده از عنایم فرهنگی گذشته و شکوفای ساختن فرهنگ ملیت‌های مختلف و استفاده از تجارب مثبت فرهنگی دیگران و با تلفیق بر شرایط کشور خودمان، احترام به عقاید دیر پای اسلامی و ایجاد یک سیستم آموزشی برای برطرف کردن نیازهای فنی و علمی کشور بوجود آورد.

اطلاعات را

درباره کیهان نوشتیم آنچه که تعیین میکند روزنامه در خدمت به مردم و انقلاب قرار گیرد، خط مشی سیاسی حاکم بر روزنامه‌است. اشکال عمده هم تاکنون همین امر بوده‌است. چه انحصار طلبی و چه لیبرالیسم سیاسی تحت عنوان باصطلاح "بیطرف" بودن به مشی رندکهنه‌کار فرصت میداد تا با رنگ عوض کردن و با بسوء استفاده از باصطلاح "بیطرفی" خط مشی خود را غالب گردانند.

مسئول جدید روزنامه اطلاعات و کارکنان صديق آن در درجه اول باید یکمک هم اتخاذ خط مشی روشن و انقلابی در خدمت به اهداف انقلاب را در دستور کار خود قرار دهند. داشتن خط مشی سیاسی بمعنی در خدمت این یا آن گروه بودن نیست بلکه باین معنی است که شعارهای اساسی و اهداف انقلاب چراغ راهما قرار گیرد. این شعارها در سه اصل استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی که در شعار "نه شرقی، نه غربی" انقلاب و جمهوری اسلامی نیز متبلور است، گنجانده شده است. اگر دقت کنیم خط مشی

های انقیاد طلبانه و بیانحصار طلبانه هر کدام بنوعی یکی از این اصول را زیر پا میگذارند.

تنها در پرتو چنین خط مشی سیاسی روزنامه‌ها اطلاعات قادر است ضمناً اینکه یک روزنامه‌خبری منعکس کننده واقعیات جامعه ما و جهان باشد، به تشریهای تبدیل شود که به انقلاب و مردم خدمت نماید. سایر اقدامات ضروری مانند پاکسازی، ریزی و مدیریت بدون تکیه بر خط مشی سیاسی فوق‌الذکر، همانطور که تجربه قبلی درباره کیهان و اطلاعات نشان داد، بی نتیجه خواهد بود.

ما برای همکاری مطبوعاتی جدید خود حجت الاسلام دعائی سرپرست مؤسسه اطلاعات آرزوی موفقیت میکنیم و آرزو مندیم یکمک کارکنان صديق و انقلابی این مؤسسه "اطلاعات" را به روزنامه‌های ملی، خلقی و انقلابی در خدمت توده‌ها و انقلاب اسلامی تبدیل ساخته و خدمات شایسته‌ای به انقلاب و میهن انجام دهد.

طرفداران روسیه بوده‌است، گفتنی درباره "اطلاعات" و همچنین دیگر روزنامه‌های "بنیاد مستضعفان" بسیار است. همچنین گفتنی درباره تعداد معدود عناصر سرسپرده و مزدوری که گراننده اصلی خط انحرافی در این روزنامه هستند بسیار است. ما نیازی نمی‌بینیم که در این باره و برخی جریان‌ها که در آنجا میگذرد بیشتر بنویسیم چون کارکنان صديق این دو روزنامه (کیهان و اطلاعات) همه چیز را میدانند و بسیاری از مردم دیگر هم مطلع شده‌اند. یکمک همین کارکنان و نویسندگان صديق هم میشود وضع را عوض کرد.

اما چرا تاکنون وحشی بعد از یکبار پاکسازی وضع درست نشده‌است؟ درست است که مزدوران روس با شانتاژ و تخریب و با حیل گری و دو دوزه بازی یا خود را تحمیل میکنند و با بنوعی مخفی میمانند و فرصت سر بلند میکنند، اما همانطور که

شما بر اساس ددام تحقیقات، بر اساس ددام شاهد و مدارک و نقض صریح چرخش یک قلم فرمان صادر میکنید و چماق "ضدانقلابی" علیه دیگران بلند میکنید. در کجای نشریه و فعالیت ما نشانی از توطئه و افترا علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و توهین به رهبر انقلاب یافتند. آیا این موضع اصولی ما "رهبران اسلامی جنبش و بویژه امام خمینی در سراسر دوران انقلاب با بیگیری و اعتماد استوار به توده‌ها اتکا کردند، در همه حال همپای آنان حرکت کردند و خواسته‌های آتشین آنها را پیاده کردند و دمی از اندیشه بیروزی نهایی خلق و از اعتقاد به نیروی لایزال توده‌ها منصرف نشدند." (سرمقاله خلق شماره ۲ اسفند ۵۸) نشانه توهین به رهبر انقلاب است یا این اعتقادمان که "همه این عوامل نشاندهنده نقش تاریخی امام خمینی بمثابه یکی از بزرگترین رهبران جنبش‌های آزادیبخش جهان سوم در یک قرن اخیر میباشد." (خلق، سرمقاله شماره ۲) آیا صفحات نشریه ما گواه افتراست یا اقدامات و فرامین از نوع آنچه که امروز در برابر آن قرار گرفتیم.

آقای دادستان انقلاب:

این آزادی که ما امروز از آن بهره مندیم نه نتیجه بزرگواری شما، بلکه محصول جانفشانی یک خلق بی‌باخته و دستاورد هزاران هزار شهید است که بخاطر آن تا پای جان دلاورانه مقاومت کردند و جان دادند و ما نه تنها آنرا وسیله سوء استفاده قرار ندادیم، بلکه با تمام توان خود در راه حفظ آن کوشیده ایم و از آن نهیمتانه یک وسیله توطئه و افترا، بلکه بمنزله یک وسیله مهم دفاع از استقلال و تمامیت ارضی ایران، دفاع از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران استفاده کرده‌ایم.

این نشریه ما نیست که از آزادی سوء استفاده کرده بلکه این اقدامات شماس که این میراث بزرگ انقلاب را، مورد تعرض قرار داده‌است. این توقیف دستجمعی و بدون تفکیک مطبوعات، این "آزادی عمل" در انتساب انواع تهمت و افتراست که باید از آن بعنوان یورش به آزادی و سوء استفاده از آزادی نام برد و نه فعالیت صادقانه ما در خدمت ادامه انقلاب.

دادستانی انقلاب ما را به توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران متهم کرده است، گرچه هنوز روشن نیست که چه دستهایی در پشت این حکم خودسرانه پنهانند، هنوز معلوم نیست که این حادثه‌سازیها، این مساله‌سازیها و ایجاد سرگرمی برای انحراف از مسائل و مشکلات اساسی جامعه توسط چه کسانی در دادستانی انقلاب دامن زده میشود، اما بهر حال این روشن است که اقداماتی از اینگونه خود مستقل از نیت دادستان انقلاب بیش از هر چیز بطور عینی نقش عامل تحریک و توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران، علیه استقلال و حاکمیت ملی ما، علیه آزادی و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را ایفا میکنند.

آیا این حکم عملاً نشانه‌ای از توطئه علیه استقرار حاکمیت دولتی، توطئه علیه ایجاد نظم انقلابی و تحکیم حکومت منتخب مردم نیست. بهر حال این را حوادث روزهای آینده روشن خواهد کرد.

امادستهایی که میکوشند، بانوسل به تحریک و اخلال، صفوف دوستان و دشمنان انقلاب را مخدوش سازند، به نارضایتی عمومی دامن زنند، مردم را در برابر حکومت قرار دهند و از این طریق با افزایش هرج و مرج، برنامه خود را عملی سازند، باید بدانند که اقداماتی از اینگونه بهر حال سرنوشتی جز شکست و رسوایی نخواهد داشت.

آنچه با مربوط میگردد، اقدام دادستانی وادعاینامه تحریک آمیز آن علیه ما قادر نخواهد بود هیچگونه تغییر و تزلزلی در مواضع اصولی ما ایجاد نماید. ما بحکم وظیفه انقلابی و تاریخی خویش با تمام نیرو به مبارزه خود در دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در دفاع از استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، در دفاع از تمامیت ارضی ایران در برابر توطئه‌ها، تهدیدها و تجاوزات دوا بر قدرت جهانخوار آمریکا و شوروی، در دفاع از اتحاد بزرگ ملی و در مقابل با هرگونه اخلال و تحریک از جانب هرکس و هر جریان ادامه میدهیم و حکم دادستانی انقلاب و هرگونه اقدامی از این نوع نخواهد توانست ما را از انجام این وظایف بازدارد، لکن این بدان معنی نیست که ما در برابر تعرض علیه آزادی، در برابر پرونده سازی و افترا علیه خود ساکت خواهیم نشست.

بهمین جهت ما علیه این اتهام خودسرانه دادستانی انقلاب و نقض صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام جرم میکنیم و میخواهیم اشاعه دهندگان تهمت افترا بر اساس شاهد و مدارک اتهامات خود را در پیشگاه خلق روشن سازند تا معلوم گردد چه کسی "تمام مقدمات اسلام را به استهزا گرفته" - چه کسی "علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران توطئه میچیند" و بالاخره چه کسی "در خط آمریکا" و یا ابرقدرت رقیب امپریالیسم شوروی حرکت میکند.

مجید زربخشی - مدیر مسئول و سردبیر "خلق" عضو کمیته مرکزی حزب رنجبران ایران

ورزش و

شد که احمد مودن یکی از آن دو دانشجو، عضو تشکیلات دانشجویان هوادار بیکار بود.

داشتن یک آپارتمان شیک را داراست. اکثر مردم روسیه با بیستی بطور متوسط بین ۵ تا ده سال برای گرفتن یک آپارتمان منتظر بمانند. هر خانواده سه نفری می‌تواند تنها یک آپارتمان یک اتاقه که بمنزله اطاق غذاخوری، اطاق خواب و آشپزخانه است داشته باشد. ورزشکار یک عضو یک تیم المپیک است بدون اینکه منتظر بمانند می‌توانند اطاق و یک آشپزخانه داشته باشد. اگر این ورزشکار در رشته‌ای قهرمان باشد سه اطاق و یک آشپزخانه در بهترین نقطه شهر با تعلق میگیرد. گرچه روسیه مخارج زیادی برای این ورزشکاران متحمل میشود اما در مقایسه با درآمدی که کرملمین از آنها در میدانهای ورزشی جهان بصورت ارزش خراجی دریافت میکنند بسیار نا چیز است.

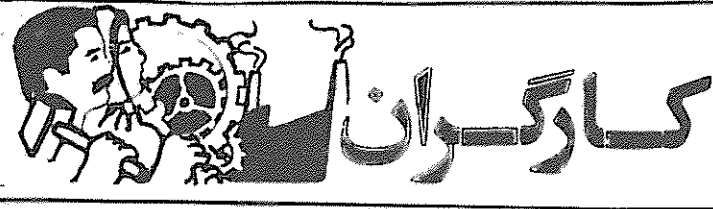
این خفایق درباره وضع ورزش و ورزشکاران در شوروی گوشه دیگری از زندگی فاسد امپریالیستی است که بر این کشور حاکم است و هیاهوی تبلیغاتی آن بِنفع تزارهای جدید کرملمین و واسطه جوشی‌های آن بکار گرفته میشود.

رنجبر

آرگان حزب رنجبران ایران
 صاحب امتیاز و سردبیر: فرامرز وزیری
 مدیر مسئول: علی حجت
 نشانی: خیابان انقلاب جنب سینما رویال
 خیابان رامسر کوچه آراسته شماره ۱۷
 نشانی پستی: تهران - صندوق پستی ۱۴۰۱-۱۴۰۲
 منطقه پستی ۱۵
 تلفن ۸۲۰۶۹۱ چاپ نهرت

★ ساکنین زحمتکش
خانه‌های نزدیک میدان
استانداری زاهدان

برق میخواهیم ولی ادارات دولتی مارا سر میدوانند



آخرین بازدید توسط مسئولین
استانداری انجام شد. با نقشه‌های
گوناگون تطبیق داده شد.
پس از چند روز که دنبال نتیجه
رفتیم، همان حرفهای اول را
شنیدیم: "باید کمیسیون کمیته فنی
تشکیل شود". این کمیته یا
نمایندگانی از استانداری، معاون
استاندار، مدیر کل مسکن و شهر-
سازی، معاون فنی استاندار، گروه
نوسازی، آب و برق و... تشکیل شود
و بعد در این مورد تصمیم گیری شود.
یکی از مسئولین میگفت که باید
دعوتنامه نوشته شده امضای
استاندار برسد. جلسه تشکیل شود،
تحقیق و بررسی شود...

دردوران رزیم منحوس گذشته،
ادارات و دستگاههای ریز و درشت
دولتی همانند سرطان در تمام زوایای
زندگی شهری و روستایی نفوذ و
دخالت داشتند. کوچکترین کارها
میباست با چندین "اجازه" و
"موافقت نامه" آرزوهای مختلف
دولتی انجام گیرد. صدور هر اجازه
و موافقت نامه‌های خودبا دهها "آئین
نامه و بخشنامه" منوط میبود.
دستگاه عظیم دولتی با چند صد
هزار کارمند، مانع بزرگی در مقابل

اهالی سری به استانداری بزنیم ویی
گیری کنیم.
فردای آروز استاندار نبود.
معاون استاندار هم کمیسیون داشت و
تاساعت یک بعدازظهر خبری نشد.
فردای آروز بالاخره توانستیم ایشان
را ببینیم آقای سعادت معاون
استاندار گفت که زمینهای شهری را
به استانداری سپرده‌اند. باید
سازمان عمران اراضی تشکیل شود و به
دستور امام خمینی زمینها را با سند
به مستضعفین بدهیم. برای گرفتن
اطلاعات بیشتر، ایشان ما را نزد
یکی دیگر از مسئولین فرستادند.
ایشان گفتند که ما در اینجا با کمبود
آب و برق مواجه هستیم و خیلی از
خانههای دور شهر را آب و برق
نمیده‌یم تا از کسرتش شهر جلو گیری
شود و بنوانیم با طرحهای بلند مدت
اینگونه افراد را به محل سکونت اولیه
شان که اکثرا روستاها هستند
بفرستیم.

برای ایشان توضیح دادم که
این خانهها داخل شهر هستند
و آنقدر نمیتواند مشکل برای برق
تولید کنند قرار شد به مسئول
استانداری در اداره برق تلفن کرده
وار آن طریق پیگیری شود. طی یک
هفته از اداره برق به اداره مسکن واز
اداره مسکن دوباره به استانداری
رفتیم. کویا مسئلهای نبود و فقط یک
امضا کافی بود که خانهها برای
کسیدن برق در نوبت قرار گیرند.

یکی از زنها میروود ویکی از این
شیشه‌های چراغها را میآورد. کاملاً
سیاه شده و دوده آنرا بر کرده‌است.
آقای حسین سرگلزایی میگوید:
"مدت زیادی است که دنبال این یک
شعله برق هستیم. به جهاد سازندگی
مراجعه کردم. آنها برای ما آب
کشیدند و یک شیر جلوی ده خانه
گذاشتند. بعد نامه به اداره برق
نوشتند که کارمارا راه بیانازند.
اداره برق به شهرداری نامه نوشت
و به ماگفتند اگر وضع مالکیت خانه‌ها
مشخص شود همین فردا کارتان را
درست میکنیم. به شهرداری گفتیم
گفت که اینگونه زمینها را ما تحویل
استانداری داده‌ایم تا آنها به این
مسائل رسیدگی کنند. در استانداری
هم ما را مدتی سردواندند. هی گفتند
هفته دیگر کمیسیون داریم و رسیدگی
میکنیم. حالا چند ماه است
میخواهند کمیسیون تشکیل بدهند و
هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ایم. چندبار
گفتند در طرح است و باید خراب شود.
بعد آمدند گفتند برای شما جای
دیگر خانه میسازیم. بهر صورت ما را
دیگر خسته کرده‌اند. ما آن خانهها
را نمیخواهیم فعلاً یک شعله برق به
ما بدهند خانه هر وقت خواستند
بدهند."

زنها هم خیلی از وضعشان کله
داشتند. به چند خانه دیگر سر زدیم
ویکی بدتر از دیگری بود. فرار شد
که فردای آن روز همراه یکی دو تن از

یک مکافاتی تا بیمارستان رفتیم. من
دریک شرکت شبانه روزی نگهبانی
میکنم و روزی پنجاه تومان میگیرم که
باید خرج ۷-۸ تابه که چندتاشان
هم محصل هستند بدهم. (توجه
کنیم که طبق قانون سال گذشته،
حقوق برای ۸ ساعت کار با تعطیلی
جمعه و مزایای دیگر ۵۷۶ ریال است-
رنجبر) چند ماه است دنبال یک
شعله برق هستیم که هی مارا از این
اداره به آن اداره میفرستند و هنوز
نتیجه‌ای نگرفته‌ایم.
یکی دیگر از اهالی میگوید: "تا
چند وقت دیگر هوای اینجا گرم
میشود. من مدتی است که به اینجا
آمده‌ام و یک یخچالی دارم که اگر
برق باشد، لااقل میتوانیم بهر
خانواده مقداری یخ بدهیم تا کمی
بهتر از آب گرم باشد. ماخانه چهار
طبقه نمیخواهیم، چون میدانیم
دولت هم مشکلات زیادی دارد همین
یک شعله برق را بما بدهند، فعلاً
کافی است."

آقای غلام رسول سارانی میگوید:
"تعداد زیادی از بچه‌های ما دانش
آموز هستند. شب‌ها و حتی روزها
مجبورند با چراغ نفتی درس
بخوانند. خانه‌هایی که دانش آموز
زیاد دارند، مجبورند که نوبتی درس
بخوانند این چراغها هم شیشه‌ها
یشان دود میگیرد و چشمان بچه‌های
ما اکثرا خراب است."

در نزدیکی میدان استانداری
زاهدان، چندخانه متروکه وجود
دارد که در حدود ده خانوار که اکثرا
کارگر و زحمتکش هستند در آن زندگی
میکند. این خانه‌ها قبلاً متعلق به
سربازخانه قدیم بود و پیش از آنهم
پایگاه و قرارگاه انگلیسی‌ها بود که به
قول یکی از زحمتکشان آنجا "قدمت
تاریخی دارد". پس از آنکه سرباز
خانه جدیدی ساخته شد، این خانه‌ها
متروک باقی ماند و محل قمار عده‌ای
اشخاصی نایاب شد.

تعدادی از افراد ساکن این خانه
ها در مراجعه به "رنجبر" از وضع بد
خود و غیرقابل سکونت بودن خانه
هایشان و از اینکه برای گرفتن یک
شعله برق ماههاست که در ادارات
مختلف واز جمله استانداری
سرگردان هستند، شکایت کردند.
بدیدن خانه‌هایشان رفتیم و پای
صحبت آنها نشستیم. اکثر اتاقها
سقف نداشت و اگر داشت، باچوب و
خاشاک آن را پوشانده بودند که به
گفته یکی از اهالی یکبار هم آتش
گرفته بود.

آقای محمداصلی پیرمرد ۷۲ ساله
میگوید: "اینجا تاریک است و حتی
روزها نمیتوان چیزی رادید. این
اتاقها پنجره‌هم داشتند که ما از
ترس آنکه میادا همین خرت و پرت
های مارا ببرند، آنرا پوشانیم و
چون تاریک است، عقب هم زیاد
است و یکبار بچه‌های مارا زد که به

زندگی روزمره مردم بویژه زحمتکشان
بحساب میآمد و همواره یکی از مهم
ترین خواسته‌های زحمتکشان و داغان
کردن این دستگاه عریض و طویل و
سازمان داران مجدد آن بر طبق
ضروریات انقلاب بود. بعد از
انقلاب، این ماشین غول آسا
همچنان بکار خویش ادامه داد و
حقوق و مزایای کارمندان آن
بیشترین بودجه مملکت را بر دوش
مردم تحمیل نمود و هیچ تغییر
اساسی در ساخت و روش آن بوجود
نیامد. هنوز، زحمتکشان با کارمندان
خوگرفته به سیستم طاغوتی، با کار
شکنی و قوانین ارتجاعی آن مواجه‌اند.
قوانین و مقررات دولتی، ادارات
گوناگون و بالاخره بوروکراسی دولتی
بامنافع اکثریت عظیم خلق ما در
تناقض و تضاد قرار دارد و مانعی
جدی در برابر زحمتکشان و خواست
هایشان میباشد.

داشتن مسکن و برخورداری از
امکانات بهداشتی و رفاهی، خواست
بحق ساکنین خانه‌های مذکور است که
استانداری و دیگر دستگاههای اداری
بدون هرگونه تعللی باید نه تنها
مسکن شایسته این زحمتکشان را
فراهم سازد، بلکه تا آماده شدن
خانه‌ها، باید آب و برق و دیگر
امکانات رفاهی را در اختیار آنان
قرار دهند.

اعلامیه هواداران
حزب رنجبران
(بخش بوشهر)
**در هوای
گرم بوشهر،
حشرات خطرناک
زندگی را بر
مردم**

**پس از دادن جواز،
سه‌میه آرد ما را کم کردند**

یکی از صاحبان نانوائی کرکان در
صحبتی با خبرنگار رنجبر چنین گفت:
"سال است که ۶ کیسه آرد سه‌میه
دارم. پس از آنکه فرار شد برای تغذیه
مدارس نان تهیه کنیم بایکی از
دوستانم که لواشی داشت جواز را به
ساندویچی تبدیل کردیم پس از
چندی که تغذیه مدارس را عوض
کردند، فروش ما کم شد بنابراین از
فرمانداری اجازه گرفتیم تا با همان
سه‌میه جای دیگری یکلواشی باز
کنیم. پس از مدتی صرف نان
ساندویچی در کرکان بالا گرفت و ما با
موافقت شهرداری لواش را به

با وخیم تر شدن بحران
اقتصادی آمریکا، ما را...

نامه يك كارگر
«کوی گیاهی» آبادان را اسفالت کنید

بدرود بیکران بر تمامی زحمتکشان
و با سلام بر روزنامه رنجبر

من یک کارگر جوشکار هستم و
آدرس محل کارم آبادان ایستگاه ۱۲
آنطرف پل بهمنشیر کوی گیاهی
است و خواستم درد دل خودم را
برای تمام رنجدیدگان و رنجبران
و وطن بنویسم.
مدت چندین ماه است که در
محل ذکر شده مشغول کار هستم و
رنجهایی که تمامی دوستانم متحمل
میشوند مانند باری سنگین بر دوش
خود احساس میکنم. خیلی از

دیدگان دیدن و آنها را مساعدت
و یاری فرمایند.
با تقدیم تشکرات قلبی
کارگر کوی صنعتی گیاهی

زحمتکشان همواره نخواست
بیشترین فشار از شرایط سخت زندگی
قرار دارند. شرایط کار
آنها دشوار است. در اغلب
کارگاهها و کارخانه‌ها از وسایل
ایمنی خبری نیست. غیر از این آنها
مجبور به طی راهی طولانی برای
رسیدن به کارخانجات می‌باشند. در
بازار روزانه، طولانی،

می‌آورد و شهردار آبادان مثل
اینکه منطقه‌ای با اسم کوی صنعتی
گیاهی وجود ندارد حتی از آنکه
راجع به این محل بررسی بکنند
ابائی دارند.
مسئله دوم من مسئله‌ای
بغرنج تر از اولی است و آن نبودن
امنیت برق در این منطقه است.
آخر در کجای دنیا اینطور سیم
برق را به امان خدا رها میکنند و
میروند بی کارشان. سیمی که شاید
بیشتر از سه متر از سطح زمین
بالا تر نباشد و هر وقت یکی از
ماشینهای سنگین عبور میکند این

تنگ کرده‌اند

"حزب رنجبران ایران بخش بوشهر" در رابطه با وضعیت زندگی زحمتکشان و محیط آلوده و خطرناک مناطق زندگی کارگران شهر بوشهر اعلامیه‌ای بخش کرده‌است که ما قسمتی از آنرا برای اطلاع خوانندگان چاپ میکنیم:

"فصل بارندگی تمام شده‌است. آب‌های رودآل‌ها گندیده‌اند و محل تولدانواع پشه‌ها شده‌است. بیشتر ناراحتی‌ها متوجه زحمتکشان این شهر است... آنان بعد از کار طاقت فرسای روزانه در گرما اکثرا بازن و بچه‌هایشان در کپرها، مخروبه‌ها، ساختمان‌های نیمه‌تمام بی دروپیکر و در پیاده‌روها شب را با آن همه پشه صبح میکنند.

آقای شهردار و مسئولان امر: آیا تاکنون به فکر آبهای گندیده که میلیاردها پشه روی آن موج میزند و آسایش را از زحمتکشان گرفته‌است استفاده‌اید؟ بر مبنای تحقیق و بررسی ماهیچگونه اقدامی صورت نگرفته‌است. ما خودنه امکانات مالی و نه امکانات تکنیکی برای حل این مشکل داریم. اما با کمال میل حاضریم همکاری هستیم به همین جهت پیشنهاد خود را که سال گذشته هم تجربه خوبی از آن داریم در اختیار تان میگذاریم، میتوان با نفت سیاه تمام گودالهای تمام جویها مخصوصا اطراف زندگی زحمتکشان که از وسایل آسایش جدا بی بهره‌اند راپاکیزه نمود.

محل‌های شناسایی شده عبارتند از: سنگی محله ترک‌ها - اطراف کپرنشینان. جبری - اکثر نقاط بن‌مانع - کوچه بارکینگ شهرداری - صلح آباد - اطراف نانوائی شگری - پشت هنرستان رازی - اطراف خانه های سازمانی اداره بندر - اطراف حفره تمام جویها ی شهر مخصوصا بازار صفا - پشت آتشنشانی شهرداری و...

پس از گذشت یکسال و نیم از انقلاب تجربه ثابت کرده‌است که سریعترین راه حل مشکلاتی که با همت مردم انجام میگردد اقدام خود مردم است. و در این رابطه نمیتوان منتظر پاسخی از جانب مقامات مسئول بود، ده‌نهم باید از اینجا بیچ مقررات و قوانین خشک اداری بگذرد. بنابراین بهترین کاری که رفقای بخش بوشهر میتوانند انجام دهند بسیج اهالی و اقدام با همان امکانات اندک است. کهنیستها باید در امر خدمت بخلق پیشرو باشند، مشکلات را شناخته و در حل آن‌ها پیشقدم شوند.

کار این کشور هزاران کارگر صنایع مختلف منجمله صنایع ماشین سازی را اخراج کردند. در ماه گذشته کارخانه فورد ۱۵ هزار کارگر را بیکار کرد و کارخانجات اتومبیل سازی جنرال موتورز هم دست به اخراج ۱۲ هزار تن زد. در این بین کارخانه سه دوج کرایسلر با اخراج ۱۲ هزار کارگر به تعطیل کشیده شد. در حال حاضر رقم بیکاری در صنایع ماشین سازی از مرز ۲۲۰ هزار گذشته و تعداد بیشماری کارگر دیگر نیز در معرض اخراج و بیکاری قرار گرفته‌اند.

ساندویچی تبدیل کردیم ولی همینکه مغازه آماده بهره‌برداری شد سهمیه آرد ما را به ۲ کیسه کاهش دادند که به هیچ وجه کافی نیست و ما حداقل همان ۶ کیسه آرد لازم داریم و مراجعات ما نیز به مسئولین هیچ فایده‌ای نداشته‌است. اگر ما مجبور شویم که از بازار آزاد آرد بخریم قیمت، نان گران میشود، چون آرد را بقیمت گرانی میفروشند. این نانو در پایان گفتگو با خبرنگار رنجبر گفت: من از مقامات مسئول که تا کنون چندین بار به آنها

یکتواخت و سنگین بجا می‌انگیزانند زیر سر پناهی در کنار انبوا دده به رفع خستگی بپردازند، سرگرم هزاران مشکل دیگر هستند زحمتکشان ایران باید از وسایل رفاهی لازم برخوردار باشند. وظیفه نامین این شرایط در محیط کار با کارفرما و در سایر نقاط شهر (منجمله محل زندگیشان) با دولت و ارکانهای مسئول است. شهرداری آبادان باید با فوریت نسبت به نقاضای زحمتکشان کارگر مقیم کوی گیاهی آبادان توجه نموده و اسفالت و ایمنی برق این منطقه را نامین نماید.

سیم بلافاصله قطع میگردد و تمام واحد های صنعتی از گردش خود باز می‌ایستند. مسئله سوم اینکه نبودن وسایل رفت و آمد می‌باشد. چنانچه اکثر کارگران فاقد وسیله رفت و آمد هستند و برای اینکه به محل کار خود برسند دو الی سه ساعت باید زود تر بیرون از منزل خود بیایند تا بموقع سر کار خود برسند. من به نوبت خود از تمام مسئولین امر خواستارم که به این وضع کنونی رسیدگی کنند و مصرا خواهشتم که از این تمام رنج

نارسایی‌ها را در اینجا احساس میکنم که شاید باور کردنی نباشد. اول از هر چه مسئله اسفالت خیابان اینجا است که شاید مورد قبول کسی نباشد. در موقع زمستان و هنگام ییزش باران این کوی صنعتی به باتلاقی تبدیل میشود که گذشتن از آن مانند طی کردن هفت خان رستم است و هر چه از صاحب املاک آنجا تمام مستاجرین خواسته‌اند جوابی سر بالا شنیده‌اند. آخر مگر ما جزییی از کارگران این مملکت نیستیم که این طور این ملک اینطور بلا بسر ما

کلانترها و قلدران محلی، روستائیان زحمتکش را به جان هم میاندازند

مملکت ما اینچنین بحرانی است، چگونه این افراد زورگو و قدرت طلب، دست از جان و مال مردم این منطقه برنمی‌دارند و محیط را دچار تشنج و آشوب مینمایند. این افراد که با تکیه بر کلانتران "شش بلوکی" مردم را به ستوه آورده‌اند، در زمان طاغوت نیز صاحب نفوذ و قدرت بودند و کلانتران حامی آنان نیز هدایایی نظیر تنگ از شاه خائن دریافت می‌کردند. آیا اکنون در دوران جمهوری اسلامی نیز این زورمندان و ستمگران باید روستائیان را به خاک و خون بکشند؟

توضیح

وزارت راه و ترابری

روزنامه محترم رنجبر

در شماره ۲۱ - شماره ۵۸/۱۱/۲۵ آن جریده شریفه مطلبی زیر عنوان "اهالی روستا های جاده قدیم آبادان - اهواز" در مورد شکوائیه اهالی روستاهای مسیر جاده قدیم آبادان درج نموده که باطلاع میرساند: به منظور ایجاد راه ارتباطی موضوع در توسعه راهسازی عمران امام گنجانده شد تا پس از بررسی های لازم و تخصیص اعتبار اقدام لازم بعمل آید. متنی است امر و مقرب فرمایند نسبت به درج شرح فوق در آن جریده اقدام فرمایند.

علی دادرس سر پرست دفتر اطلاعات و روابط عمومی

در ۱۰ اردیبهشت، طی زد و خوردی که بین دو طایفه "دوست محمد، لو" و "گلهو" در گرفت، با تحریک و مداخله غارتگران محلی کار بجایی کشیده شد که دونفر به اسمی "زکی پیر مرادی" و "اسد پیر مرادی" کشته و چهار تن از طایفه "گلهو" زخمی شدند. بین این دو طایفه نامبرده، از سال پیش اختلاف کوچکی بروز کرده کلانترها و کدخدایان به این اختلاف دامن زده تا با ایجاد شکاف بین عشایر از وحدت و یکپارچگی آنان جلوگیری نمایند که از این طریق به غارت و ستم خود به روال گذشته ادامه دهند. اشخاصی نظیر "حاج آمان معصومی"، "مراد کاظمی" و "حاجی طهرانی" که بهمدستی و نزدیکی با کلانتران شهرت دارند، از عاملان اصلی این درگیری و خون ریزی بوده‌اند.

وجود اختلافات کوچک در بین عشایر و روستائیان بر سر زمین، دام و غیره، که اغلب به چشم میخورند یکی از زمینه‌های اخلاف و تحریک مفتخوران و مستبدین محلی است که از این رهگذر منافع کلانی به جیب می‌زنند و عشایر زحمتکش این مناطق را سالیان سال بجان هم می‌اندازند. در این بین روستائیان از "حاجی سودابه شش بلوکی" نیز نام میبرند که ظاهراً نقش میانجی را در اختلافات فیما بین بازی میکرده ولی در حقیقت طرفدار "حاجی آمان" و دارو دستاش می‌باشد.

طی گفتگویی که "رنجبر" با یکی از اهالی این طوایف انجام داد، خواستهای این زحمتکشان چنین بیان شد: "در این لحظات که وضع

میباشند و زمینها رابه نسبت ۴ به ۱ به اجاره میدهند. حدود ۵۰ خانوار از ۲۰ تا ۱۵ من یعنی از ۱/۵ تا ۲/۵ هکتار زمین و رویه‌رفته ۲۵۰ کوسفند دارند. بقیه اهالی در شرایط سخت معیشتی بوده و حتی نمیتوانند کشت دیم نیز بکنند، فرزندان آنها حتی از نان خشک هم محرومند. زمینداران بزرگ محلی با نفوذی که در ادارات دارند از کشاورزان بی چیز به بهانه‌های مختلف رشوه می‌گیرند و با اینکه دام زیادی ندارند تمام مناطق مساعد برای دامداری و قسمت عمده آب نلمبه‌ها را در اختیار گرفته‌اند. افراد میانه حال نیز امکانات دام داری ندارند و به این لحاظ در این روستا، دامداری افت کرده‌است. دهقانان فقیر اکثرا به کارهای روز مزدی (روزی ۲۰ تومان در محل) می‌پردازند و زندگی خود را با قرض بسیار می‌گذرانند.

خواسته های اهالی شبانکاره عبارتند از:

- ۱- وسایل کشاورزی - باغ داری - تلفه - وام و بذر کافی برای روستائیان کم زمین و بی زمین.
- ۲- وسایل بهداشت - دام، علوفه و تقاله و وام برای دامداری.
- ۳- توجه به خواستهای عمرانی آنها (جاده، درمانگاه، مدرسه، لوله کشی آب، مسجد...)
- ۴- کوتاه کردن دست ۶ خانوار متنفذ که در همه امور زندگی دهقانان دخالت کرده و به مفتخوری و رشوه گیری مشغولند.



روستای «میمند - شبانکاره» فارس همه امکانات فقط برای شش خانوار

زمینهای خود میکنند. حمام این روستا قبلا خزینهای بوده و هم اکنون با خودیاری اهالی حمام جدیدی ساخته شده که روزها زنانه و شبها مردانه است.

مدرسه روستا تا کلاس سوم راهنمایی دارد ولی کتاب و کتابخانه درست و حسابی ندارد.

این روستا فاقد شرکت تعاونی است و اهالی اجناس را بقیمت گرانی تهیه می‌کنند. برنجی که در سابق یک من ۲۰ - ۲۲ تومان بود حالا به ۴۰ تومان رسیده. روغن یا جیره بندی بسیار محدود به کیلویی ۷ تومان و در بازار سیاه به کیلویی ۱۶ تومان رسیده است.

مردم این روستا از طریق کشاورزی و دام داری و باغداری زندگی میکنند، زمین عمدتاً بشکل دیم کشت میشود و آب فقط برای آبیاری باغات به کار می‌رود. محصولات این روستا عبارتند از: گندم - جو - نخود - لوبیا - عدس - کسن (نوعی خوراک دام) - باغ انگور، بادام، بیدمشک و انار و کشمش. توزیع زمین بسیار ناهمگون است ۶ خانوار صاحب ۴۰۰ تا ۱۰۰۰ من یعنی ۲۰ تا ۵۰ هکتار زمین

در تهیه گزارشی درباره روستای شبانکاره (شیراز) که در زیر میخوانید یکی از جوانان متعهد و زحمتکش این روستا، با "رنجبر" همکاری نموده است.

روستای "شبانکاره" در ۱۸۴ کیلومتری شیراز واقع است و حدوداً ۲۵۰ خانوار جمعیت دارد. این روستا فاقد آب لوله کشی میباشد. قناتی که در گذشته مورد استفاده مردم بود بر اثر کندن چاهی در کنار خانه یکی از متنفذین، بلا استفاده شد. امروز از آب چاه نیز بعلت مخلوط شدن با فاضل آب خانه‌های اطراف نمیتوان برای آشامیدن استفاده کرد و ناچار از آن برای مصرف دام استفاده میشود.

هفت سال است که قرار است برای این روستا برق بکشند و دو سال است که طرح کشیدن چهار کیلو متر جاده شبانکاره - میمند پیاده نشده حتی هنوز مسیر جاده مشخص نیست و متنفذین از این وضع سوء استفاده کرده سعی در کشاندن جاده به اطراف

تجاوزگران آمریکائی و موقعیت جغرافیائی کویر

از ناو هواپیمابر آمریکائی تا فرودگاه سیاه کوه

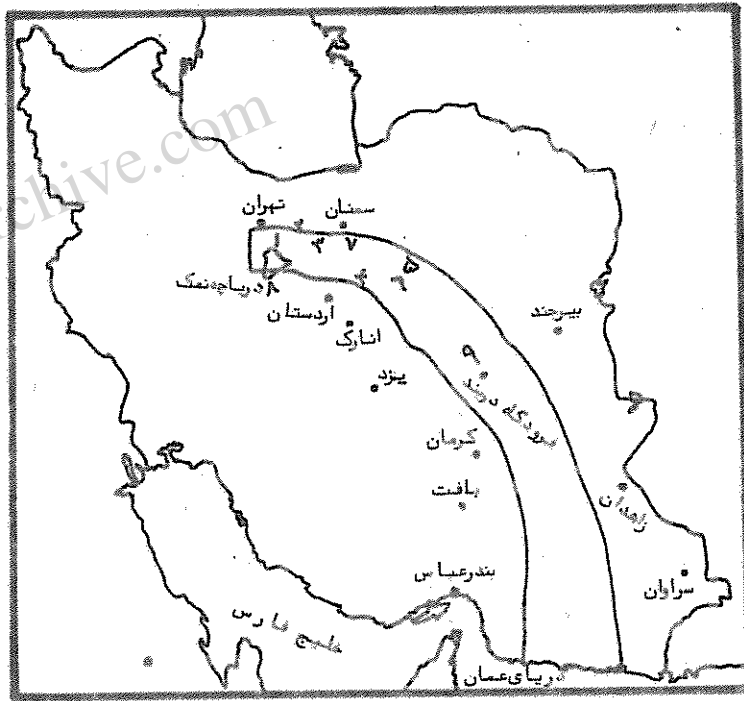
۱- جاده یزد به طیس

از یزد بطرف مشهد جاده‌های قدیمی است که میبایستی برای کوتاه شدن راه از آن عبور کرد. قسمت کویری این جاده یعنی از دوراهی ۵ فرسنگی یزد به طیس حدود سیصد کیلومتر جاده خاکی است در فاصله های ۵ فرسنگ به ۵ فرسنگ که در قدیم الایام یک منزل راه را می‌گفتند یک آب انبار و یک کاروانسرا و در بعضی مناطق چند کاروانسرا نزدیک بهم موجود است.

آب انبارها از طریق آب باران که بسمت آن نهرکشی شده در مواقع بارانی بر آب میشود و در تابستانهای خشک در قدیم کاروانیان و اکنون اتومبیل ها و اتوبوسهای عبوری از آن آب انبارها سیراب میشوند یک سری کاروانسرا در زمان فتحعلیشاه ترمیم شده که تقریباً سالم مانده است و این کاروانسراها بر روی کاروانسراهای دوره شاه عباس صفوی یا کاروانسراهای دوره ساسانیان تجدید بنا شده است. این جاده از بین تپهها و کوههای کوتاه کویری میگردد فقط در دو منطقه ریگهای روان جاده را در موقع طوفانی می‌پوشاند. ده خورونوق در فاصله دو منزلی یزد قرار دارد و دیگر تا طیس فقط در کاروانسراها چند قهوه خانه است. از آن جمله رباط پشت بادام و رباط خان. از این جاده اتوبوسهای شرکت های مسافری یزد مسافران را از یزد به مشهد می‌رسانند و گاهی اوقات تانکرهای نفت کش و کامیونهای بار نیز از این جاده میگذرند. در پائین ها بعد از جیدن محصول تابستانی و درو دهقانان یزد و اطراف از اینراه بزیارت مشهد میروند.

۲- جاده راور به بیرجند

این جاده از کرمان درست از بین محور جدا کننده کویر لوت و کویر نمک عبور میکند بعد از راور،



۱- جنوب ورامین - سیاه کوه ۲- جنوب ایوانکی و شمال سیاه کوه و جنوب خط آهن تهران - مشهد ۳- جنوب گرمسار ۴- شمال اردستان ۵- غرب جندق ۶- شمال اراک ۷- جنوب سمنان ۸- شمال شرقی قم وزیر دریا چه قم ۹- رباط خان و رباط پشت بادام

ولی در دوره صفویه جاده افغان به مشهد از این راه میگذاشته و چند قلعه (کاروانسرای) شاه عباسی در این جاده سرباست - که یکی از این قلعه که پشت ریگهای روان شمال کاشان بنام (ریگ جنی) قرار دارد قلعه‌ایست که نایب حسین کاشی در زمان احمد شاه امانا. رضا است، عاجز میکند.

تجاوز به خاک ایران این مسیر را از دریای عمان رو به شمال از بالای کویر لوت بدون اینکه خطر دیدن داشته باشند میتوانند تا جنوب ورامین عبور کنند تنها مانع سر راه آنها رادار فرودگاه کوچک در بند است و احياناً پاسگاه ژاندارمری کویری نسای بندان (تعلبدان) که طبق اطلاعات فرمانده ژاندارمری و رئیس ستاد ارتش و رئیس ستاد نیروی هوایی رادار در بند حرکت هلی کوپترها و هواپیماهای مهاجم را گرفته‌اند و ستاد مرکزی گزارش کرده‌اند. ضمناً محل عبور هواپیما های مسافری که از پاکستان به ترکیه و اروپا عبور میکنند از همین گاتال کویری عبور میکنند. بنابر این در صورتیکه هواپیمای رنگ آمیزی و علامت هواپیمای مسافری داشته باشد تقریباً قابل اشتباه با هواپیمای مسافری میشود.

و همانطور که ستاد ارتش نیز در مصاحبه تلویزیونی اعلام کرد رادارهای ایران این مناطق را کاملاً در پوشش راداری خود ندارند و تجاوزهای بعدی نیز بازمم میتوانند از همین مسیر باشد منتها مشکل بتوانند از پوشش راداری فرودگاه در بند وسط کویر لوت بدون اینکه تخریبی در رادار این فرودگاه ایجاد کنند عبور نمایند. تعداد نفرات این فرودگاه و محافظین آن و پاسگاه تعلبدان بسیار کم هستند مگر اینکه ستاد ارتش ژاندارمری این دو پایگاه را تقویت نمایند.

اما راجع به فرودگاههای اضطراری داخل کویر

در مجموع از بلوچستان رو به بالا جابجانشیر فرودگاهها، زمینهای مسطح جهت فرود آمدن شبیه همین رباط پشت بادام زیاد است و حتی در قسمت شمالی اردستان و کاشان و حتی در جنوب گرمسار که به تهران نزدیکتر است زمین کفی و مسطح موجود است. ضمناً در جنوب

رپورتاژ از آلن من گام خبرنگار فرانسوی

در افغانستان اشغال شده (۵)

آلن منگام در شهریروز ۱۵ هزار نفری گازا، واقع در ۷۰ کیلومتری گابل با محمد حاجی کابل فرمانده شورشیان یک منطقه خارج از کنترل قدرت مرکزی ملاقات نمود.

خنجرستی گاه تنها سلاح مجاهدین

فقدان تسلیحات پیشرفته

فرماندهی که مارا پذیرفت مردی بود در حدود ۶۰ سال، یک رهبر واقعی قبیله، مردی خشک و قدرتمندی در حالیکه مارا به نوشیدن جای دعوت میکرد، سئوالات زیادی از اربابعموان نمایندگان مطبوعات، نمود و کوشید تا خاطر نشان سازد که گنگهای غرب که از آنها در مطبوعات و رادیو اسم برده شده حرف سخروای است و آنها بشدت به کمک تسلیحاتی نیازمندند و حقیقتاً اولین کلاشینکف هایی که ما دیدیم متعلق به محافظین و مجاهدین گازا بود.

ولی آنهایی که مادر در جاده دستگیر کردند دارای اسلحههای کاملاً ابتدایی بودند مثلاً "تفنگ شکاری سنی و یا اسلحههای قدیمی که متعلق بدوران جنگ با انگلیسیها بود. تنهاری دو تپه ۲ عدد مسلسل متعلق به چکسلواکی که از ارتش افغانستان مصادره کرده بودند دیده میشد هیچگونه تسلیحات پیشرفته در دست نداشتند نه آر.بی.بی. ۷۰ (پرتاب کننده راکت ضد تانک) و نه مسلسل ۱۲/۷. برخی حتی تفنگ هم نداشتند و تنها خنجر سنتی افغان را به همراه داشتند.

کلاشینکفهایی که مادر گازا دیدیم نیز از غنایم جنگی بدست آمده بودند و مجاهدین آنان را با شور خاصی به همراه داشتند زیرا که بنظر آنها اسلحههای بسیار خوبی بودند و داشتن آن را نشانه ولادت میدانستند. زیرا که چنین اسلحههایی یا از ارتش افغانستان و یا احتمالاً از روسها مصادره شده بود. گاهی نیز این اسلحهها توسط نظامیانی که از ارتش افغانستان فرار کرده بودند به غنیمت آورده میشد.

در جریان بحث، فرمانده تأکید زیادی کرد بر روی لزوم اسلحه وند لزوم پول نمود. مادر مورد لزوم پول برای کمک بخدمت در سطحی انسان دوستانه و نیز غذا و دارو اصرار ورزیدیم ولی وی بصورت مکرر چنین جواب میداد: بلی درست است، مهم است ولی این مسئله ای نیست که بیشتر از همه به آن احتیاج داشته باشیم. ما افغانها به فقر عادت کرده‌ایم آنچه امروز برای ما جدید است این نیست که از فقر بفریم. بسیاری از ما قبلاً از فقر مرده‌ایم، عنصر جدید امروز حضور شوری در اینجا است. ما احتیاج به اسلحه داریم و خواهیم داشت و این را برای رهایی خاک افغانستان میخواهیم. در تمام طول مصاحبه، فرمانده لحنی بسیار تلخ در مقابل قدرتهای غربی از خود ابراز نمود.

من به آنان تعلق ندارم، آنان به من تعلق دارند

باید قبلاً گفت که اینطور به نظر میرسد که نسبت به آوریل ۱۹۷۹ تفاهم بیشتری بین جنبشهای مختلف وجود دارد. در آوریل ۱۹۷۹ من برای اولین

کویر نمک عبور میکند معدن را، فرودگاه و ایستگاه هواشناسی و رادار فرودگاه در بند درست در وسط کویر قرار دارد.

از این جاده نیز چند کاروان سرا و آب انبار یادگار از دوران های صفویه و حتی صفاریان (یعقوب لیث) یا برجاست و در قیقا از بین شورزار های کفی که مسطح کامل است و هیچ گیاهی در آن نمیرود میگذرد. در بین این راه متروکه که مسیر قاجاقیان تریاک و هروئین بوده آبادی کویری بسیار کوچکی بنام نای بندان یا نعلبندان است یک پاسگاه زاندارمری وجود دارد که مجهز به بی سیم ارتباطی با کرمان است. در این جاده نیز بسیار کم اتوبوسهای مسافری راور را از کرمان به مشهد می برد. در سالهای قبل قاجاقیان بین المللی حتی با هلیکوپتر در این منطقه رفت و آمد داشته اند. آمریکائیان ممکن است از خلیانان و ماجراجویان قاجاقچی که دقیقاً منطقه را می شناسد استفاده کرده و بعید نیست با عناصر ساواکی منطقه و قاجاقیان ارتباط نیز برقرار کرده باشند.

۳- جاده یزد نائین جویانان جندق ، فرخی رباط پشت بادام

این جاده نیز محل عبور کامیونهای معادن سرب انارک و طالمسی و مسکنسی و معادن داخل کویر است. که معدن سرب آن از بزرگترین معادن ایران و معدن مس انارک از جنگ دوم بهره برداری میشود. در این جاده اتوبوسهای محلی و جیب مسافر کفی میکنند.

۴- جاده جندق تا طرود (ترود) و دامغان

این جاده کویری از بین شن های کویری میگردد و بندرت جیب میتواند از آن عبور کند بهمین دلیل ارتباط جندق بیشتر با انارک و نائین است تا با دامغان.

۵- جاده ورامین به کاشان (بیدگل) و به اردستان

این جاده از پشت دریاچه قم (شرق دریاچه قم) میگذرد و از داخل کوههای کوتاه و پست سیاه کوه و جنگلهای گز چشمه آغامحمد خان و کنار چاه نفت سفیدابه عبور مینماید بجز جیب زاندار مری و شکار بانی هیچگونه اتوبوس و مسافر آزان عبور نمی نماید.

در زمان احمد شاه و اوائل رضا شاه در آنجا بناه میبرده وسایهان دولتی در بین ریگهای روان معمولا از تعقیب نایب حسین دست بسر میداشتند.

در مجموع از هفتاد کیلومتری تهران منطقه کویرهای ایران رو بسه جنوب و جنوب شرقی امتداد می یابد و بجز جندق که ده بزرگ یا شهر



در عکس فوق یکی از هلیکوپترهای تجا وزگران آمریکا بیسی که سالم بجای مانده دیده میشود (عکس از خیرنگار رنجبر)

کوچکی یا نزدیک به سه هزار جمعیت است وده فرخی و منطقه بیابانک و بالاخره شهر طلمسی است. در این منطقه کویری دهات بزرگی نیست و فقط گاه چراگاهی و چند حلقه چاهسی جهت آبشور گوسفندان و شتران که آب آنها هم قدری شور است موجود است. ضمناً در حاشیه کوههای داخل کویری باغات انار بسیار محقر و کوچک و آبادی های با دو یا سه خانوار نیز کم و بیش موجود است که گاهی بمقدار بسیار کم با آب چشمه و قنات گندم وجو و ارزن میکارند که تکافوی خانواده شان را نیز نمیدهد. اخیراً از طرف کرمان و رفسنجان به بالا و حتی دور ویر کاشان قدری باغات پسته در حاشیه این کویر توسط جاههای نیمه عمیق آبیاری واحداث شده است از نایبندان و جنوب رباط خان و پشت بادام و در مجموع جنوب طلمس کویر بزرگ لوت (کویر زنگی احمد) شروع میشود. این کویر تا دریای عمان ولی با نامهای مختلفی مختلف امتداد دارد. در وسط این کویر دریاچه قدیمی کویر لوت قرار دارد که حالیه تقریباً خشک و سطح آن از سطح دریاها در حدود ۳۰۰ متر

بدرلیل شورزار بودن نمیرود. حتی خار برای علوفه شتر نیز موجود نیست و در نتیجه فقدان حیوانات کویری و حتی سروصدای محیط که توسط حشرات ایجاد میشود در شب جای خود را بسگوتی کشنده میدهد. جریان های بادهای منطقه ای بین هوای گرم روز و هوای سرد کوهستان های اطراف کویری با سرعت بادهای نسبتاً شدید باعث حرکت شنهای روان میشود و این شنهای روان در حدود ۵۰ تا ۷۰ کیلومتری کوههای حاشیه کویری کوههای شنی را میسازند. در کویر کوههای شنی علامت آن است که پس از آن آبادی و کوهی موجود است.

کویر ایران از جنوب طلمس به کویر مرز افغانستان بنام دشت ناامید که شرق بیرجند و تا جنوب شرقی آن و شمال زابل گسترده است ادامه دارد. از آنجا که بلوچستان نیز بجز کوه تفتان و دهات دامنه آن و رودخانه سرباز و بالاخره شهر ایران شهر و زاهدان بقیه مناطق تقریباً بسیار کم جمعیت است بنابراین آمریکا و هوابیما و هلیکوپترهای آمریکایی

ورامین نیز زمین های تخت جهت فرود هوابیما موجود است. منتها در جنوب ورامین به آبادی های پر جمعیت ورامین بسیار نزدیک است و در شمال دریاچه قم نیز میدان تیر علی آباد ارتش جمهوری اسلامی نیز همیشه حضور دارد. بنابراین بخاطر نزدیک نبودن باین مناطق نیروهای مهاجم آمریکایی ترجیح دادند که در همان رباط پشت بادام و فرودگاه اظهاراری که سالیهای قبل خود آمریکائیان در نظر گرفته بودند، فرود آیند ولی بعید بنظر میرسد که در غرب جندق و جنوب گرمسار و جنوب ورامین از این نوع محل های مسطح که فراوان است در نظر نداشته باشند و ایستگاه بعدی آنها نبوده باشد.

مناطق قابل استفاده نیروهای مهاجم آمریکایی میتوانند از لحاظ نزدیکی به تهران به ترتیب زیر باشند:

- ۱- جنوب ورامین - سیاه کوه
- ۲- جنوب ایوانکی و شمال سیاه کوه و جنوب خط آهن تهران - مشهد
- ۳- جنوب گرمسار
- ۴- شمال اردستان
- ۵- غرب جندق
- ۶- شمال انارک
- ۷- جنوب سمنان
- ۸- شمال شرقی قم وزیر دریاچه قم
- ۹- رباط خان و رباط پشت بادام

در خاتمه، ما باریگر به مقامات مسئول دولت و بخصوص ارتش جمهوری اسلامی هشدار میدهیم که به مناطق کویری که در گزارش فوق به آنها اشاره شده توجه نموده و برای مقابله با تجا وزگران، خود و مردم این نواحی را آماده نمایند.

بی تردید، این نقاط ضعف جغرافیائی کشور ما مساله ای نیست که از آگاهی دشمن پوشیده باشد. پس ضروری است که در مسورد آنها خلق نیز بانسازده کافی آگاهی داشته باشد.

یک جمهوری اسلامی؟

افغانستان سافرت مردم، و این نهادم تابع از آن نیست در صورتی سنی بین قبایل و گروه بندیها پدید آمده قابل گذشتی باشد و این امر تا آنجا پیش میرود که وقتی ما فرمانده سوال کردیم که به کدامیک از جنبشهای حسی اسلامی و جهات اسلامی تعلق دارد وی به انگلیسی، با چنین جواب داد: " من به آنان تعلق ندارم آنان من تعلق دارند. وی این حق را بخود میداد که بعنوان کسی که در محل درگیری مبارزه میکند نسبت به جنبشهایی که در سراسر دریاکستان قرار داشتند دارای اتوریته (حاکمیت) طبیعی باشد.

کمی پیش دوزخ قبل نیز وقتی مساله را از فرمانده جوانی که مارا در جاده کابل دستگیر کرده بود پرسیدیم وی نیز چنین جواب داد که امروز تمایز میان قبایل، ملیت ها و جنبشها اهمیت زیادی ندارد زیرا که مسئله اساسی مبارزه با دشمن مشترک است. لحن دوفرمانده کبی با یکدیگر تفاوت داشت ولی با وجود این اینطور بنظر میرسد که اولین نتایج دخالت شوروی در اواخر دسامبر این بود که اتحاد مشخصی که در قبل هرگز وجود نداشت بین جنبشهای مختلف بوجود آمده است. آیا این اتحاد خواهد توانست جنبه مشخصتری بخود بگیرد و به هماهنگی روشن و مناسی بین جنبشهایی که در سراسر هستند، جدا از لحاظ ایده تئولوژیکی وجه سیاسی منجر شود. جواب به این سوال مشکل است ولی در هر صورت، امری که باید مطمئناً در محل به ایجاد یک هماهنگی حداقل نظامی منجر شود در جریان است.

این امر زیاد مشخص نیست. همه از یک جمهوری اسلامی صحبت میکنند ولی تفاوت اساسی با ایران دارد که شیعه و در نتیجه سازماندهی روحانیت حاکمیت دارند. در افغانستان بجز در هزاره اکثریت سنی هستند. در آنجا رهبر معنوی چون خمینی وجود ندارد. شاید امروز تا حدودی بتوان دلیل وجود مشکلات فراوان را در جنبشها جهت یافتن رهبری که بتواند نقش یک متحد کننده را پیدا کند در فقدان این امر جستجو نمود. در افغانستان رجوع به مذهب را باید بدلیل اینکه امری جاریست توجیه نمود. در آنجا تعلق بماسلام بصورت امری معمولی و مستقیم است و مانند ایران حاکمیت ملاحی محلی معنی ندارد. بر خلاف ایران که تنها محل تجمع و بیان نظرات سیاسی مردم مساجد بوده اند، در افغانستان به هیچوجه مساله شکل بالانوده است و مساجد بعنوان محلی که میتوان در آنها از بیابان هوایی مصون ماند و تا حدودی بتواند یک میدانخانه مطرح است. محل تجمع و تبادل عقاید، خانه رئیس قبیله است.

این امر بیانگر آن است که مبارزه آنان در وهله اول مذهبی و علیه "کفار" است و در همین حال ملی گرایانه زیرا که افغانها همواره موضعی تردید آمیز و دشمنانه در قبایل همسایگان بزرگ خود داشتند. کدامیک از احساسات فوق قویتر است؟ من فکر میکنم که در سن افغانها، هر دو یکدیگر را تکمیل میکنند. مشکل است آنچه را که آنان دقیقاً حتی در پیشاور دربار جمهوری اسلامی تصور میکنند بیان کنیم. من مطمئن نیستم که آنان خود از آن چیزی بدانند، آنچه که امروز برای آنان اهمیت دارد خارج از آنان قرار دارد و آن چیزی جز ارتش شوروی نیست. مطمئناً بعد از آن این مسایل طرح خواهند شد.

پس از ترک فرمانده حاجی کالا ما از شهر کازا گذشتیم، مردم فوراً مارا که توسط مجاهدین همراهی میشدیم دیدند. اینجا نیز مردم اول فکر میکردند که ما روسهایی هستیم که زندانی شده اند. آنان احساسات خصمانه ای علیهما داشتند. بعدها تیرگانهای خود را بر میداشتند و به وضوح دیده میشد که مردم میخواستند ما را ناسود کنند. تنها وقتی که به شمال شهر رسیدیم مردم شروع کردند به درگ توضیحات مجاهدین معنی بر اینکه ما روزنامه نگار هستیم. در این موقع دشمنی به توجه دوستانه ای تبدیل شد، فریادهای بلند "الله اکبر" برای مجاهدین بگوش میرسیدند. بدین ترتیب ما توانستیم از یکی از رهبرهای ارتش افغانستان که بگماه قبل توسط مجاهدین داغان شده بود دیدن کنیم. این زره پوش در بالای کوه اصلی بازار متوقف بود. بسیاری از خانههای بازار داغان شده بودند و ما در نتیجه بمباران سوخته بودند روی بسیاری از خانههای باقی مانده جای گلوله بچشم میخورد. بازار همیشه بسته بود و تنها نمازهای نادری که تقریباً چیزی در آنها بجز مقداری سزی نبود باز بودند. فروشندگان خرده ها که باطری و وسایل فلزی و غیره میفروختند تقریباً از بین رفته بودند. یکی از آنان نمازهای را با نشان داد که از آن چیزی باقی نمانده بود و با میگفت: همیشه تمام کردم، میبدم و میروم رفتن به این مفهوم که یا به بنهندگان در پاکستان خواهد پیوست و یا به مجاهدین و برای ادامه مبارزه در محل.

رویدادهای جهان



آمریکا نگران از دست دادن نفوذ خود در خلیج فارس است

اخیرا محافل امپریالیستی امریکا نگرانی خود را از تهاجم و یورش امریکاییسم روسیه در منطقه خلیج فارس و در نتیجه کاهش تدریجی نفوذ و کنترل خود در این منطقه را اعلام کرده اند. برزیسکی مشاور امنیتی کارتر رئیس جمهور امریکا اظهار داشت که اگر این منطقه منبج شود و با تحت سلطه یک قدرت متخاصم قرار گیرد توازن قدرت در جهان بطور تغییرناپذیری از بین خواهد رفت. وی در این مورد به تسلط روسیه بر خلیج فارس و افغانستان اشاره کرد.

از طرف دیگر رونالد ریگان رقیب انتخاباتی کارتر از حزب جمهوری خواه اعلام کرد اگر روسیه به ایران حمله کند امریکا عملا کاری نمیتواند بکند ولی ایالات متحده امریکا باید موضع قاطعی در جهت حمایت از عربستان سعودی اتخاذ کند. وی گفت ما اجازه نخواهیم داد دولت عربستان سعودی بعزت مشکلات داخلی یا حمله خارجی سقوط کند. ریگان گفت تمام متحدین ما، زاین اورپای غربی بدون نفت عربستان سعودی ورشکسته خواهند شد. وی در مورد دفاع از عربستان در مقابل حمله روسیه گفت که این عمل را باید بطور مشترک و با همکاری متحدین خود در اروپا و زاین که کاملا به نفت این کشور وابسته اند انجام دهیم.

ورزش و ورزشکاران اشرافی در شوروی

اهداف و مقاصد ورزش از دوران کهن پرورش روح و سلاستی بدن و استفاده آن در نبرد با مشکلات و ناملایمات طبیعی و نیز دفاع ملی در برابر اشغالگران و متجاوزین به مرزبوم کشورها بوده است. بنا بر این ورزش خصلتی کاملاً مردمی و متوده ای داشته و در اهداف و مقاصد آنها چپاول میشوند، امکانات مالی و اقتصادی محدودی دارند. بنا بر این میدانهای ورزشی بجای اخوت و برادری و دوستی خلقها و ملل به صحنه رقابت و برتری طلبی بین قدرتهای جهان تبدیل شده است آنهم در شرایطی که برابر است.

اوج گیری مبارزه در افغانستان

مجاهدین افغانی يك ژنرال روسی را کشتند

بدنبال تظاهرات و راهپیمایی های دانشجویان و دانش آموزان مدارس و دانشگاههای افغانستان در اول اردیبهشت، جنگ مقاومت و مبارزه مردم بر علیه اشغالگران روسی مجددا ابعاد گسترده و وسیعی بخود گرفته است.

اخبار و گزارش های رسیده از نقاط مختلف افغانستان حاکی است که علیرغم سرکوب و گشتار بیرحمانه و ددمنشانه مردم توسط ارتش اشغالگر روس مردم دلیر و میهن دوست افغانستان با شجاعت کامل به جنگ اشغالگران فاشیست شتافته اند.

جمعه گذشته ارتش مهاجم روس برای دومین هفته متوالی با کمک صدها تانک، تعداد زیادی زره پوش، هلیکوپترهای بمب افکن و هواپیماهای میگ بر علیه ده هزار مجاهد که در ناحیه "جوتاتو" از استان غزنین تجمع کرده بودند دست بیک حمله بسیار شدید و وسیع زدند.

در ماه گذشته نیز نیروهای متجاوز روسی در دهات "شیلقار" و "اندار" همین استان دست بیک قتل عام وسیع زده و صدها تن که اکثرا کودک زن و افراد مسن بودند در نتیجه این بمبارانها کشته شدند. پنجشنبه (۱۸ اردیبهشت) در اثر درگیری و زدوخوردهای متعدد بین نیروهای اشغالگر روسی و مجاهدین افغانستان در غرب کابل، به سر با زاین روسی تلفات سنگینی وارد آمده است. شدت درگیری ها در حوالی کابل به حدی است که مطبوعات دست نشانده دولت ببرک کارمل خود معترف به فعالیت های نظامی و درگیری با مجاهدین شدند.

بگزارش خبرگزاری ها بخشی از ایالت بدخشان بدست نیروهای مجاهدین افتاده است. بنا به همین گزارشات در اثر تیراندازی مبارزین به هلیکوپترهای روسی یکی از این هلیکوپترها که حامل یک ژنرال روسی بوده است سرنگون شده و ژنرال روسی کشته شده است. در همین درگیری ها ۴۰ سرباز افغانی نیز کشته میشوند.

دامنه زدوخوردها و درگیری ها در افغانستان بقدری شدید است که حتی روزنامه پراودا ارگان امپریالیستهای روس نیز اعتراف

رویدادهای اقتصادی

کنفرانس اوپک به ۴ نتیجه مهم رسید

کنفرانس دوروزه اوپک در شهر طائف عربستان سعودی، بیش از هر کشور دیگری برای ایران مفید بود. کشورهای صادر کننده نفت در این کنفرانس تصمیم گرفتند که میزان تولید خود را محدود نگه دارند و منابع طبیعی طلای سیاه خود را تا حد امکان باز بچینه منافع سودجویانه کمپانیهای نفتی قرار ندهند. کنفرانس اخیر اوپک همچنین تصمیم گرفت که نفت خود به کشورهای که مورد تحریم ایران قرار میگیرند نفروشند. یعنی اگر مثلاً زاین، ایران را تهدید کرد که نفت از ما نمی خرد و بجایش از دیگر کشورهای عضو اوپک نفت خواهد خرید، این کشورها حق ندارند زاین نفت بفروشند این کنفرانس در عین حال درباره قیمت گاز صادراتی کشورهای عضو اوپک نیز تصمیماتی گرفت. بر مبنای این تصمیمات قیمت گاز برای هر یک میلیون بی تی. یو ۴ دلار تعیین شده است. این قیمت تقریباً معادل پیشنهادی است که ایران برای گاز صادراتی خود به شوروی کرده بود و شوروی نپذیرفت. کنفرانس اوپک در طائف در عین حال خطوط کلی استراتژی دراز مدت اوپک را که قرار است خرداد آینده در الجزایر با شرکت وزیران خارجه و نفت و دارایی اوپک انجام شود، بررسی کرد. کشورهای صادر کننده نفت در این کنفرانس همچنین قبول کردند که بهای نفت هر سه ماه یکبار بر مبنای افزایش تورم و تغییرات نرخ ارزها تعیین شود.

بی تردید از ۳ سال پیش تاکنون اوپک هیچگاه نشستی به این آرامی و تا بدین حد از وحدت برخوردار نشده است. اجلاس گذشته اوپک در زمستان گذشته نتوانست حتی در یک مورد به توافق برسد. اما در نشست طائف مهمترین تصمیمی که گرفته شده بی شک موضع حمایت از ایران در مقابل فشارها و تهدیدات کشورهای بزرگ است. هر چند که میزان تولید و صدور نفت را میتوان مخفیانه بالا برد اما رسیدن به چنین توافقی حداقل از اهمیت سیاسی فراوانی برخوردار است و آن نیز چیزی نیست جز اینکه گروهی از کشورهای جهان سوم، توانستند در یکی از مهمترین مسائل مورد مشاجره در سطح جهان به توافق رسمی برسند، چیزی که تاکنون با مخالفت علنی بعضی از کشورهای صادر کننده نفت مانند عربستان روبرو میشد.

تصمیم اوپک مبنی بر تعیین بهای رسمی گاز نیز اهمیت زیادی دارد. با اینکه بیش از دو سه کشور در اوپک صادر کننده گاز نیستند اما سیاست متحد آنها مبنی بر دفاع از ایران و الجزایر گام مهمی در جهت تحکیم وحدت درونی اوپک و ارتقاء نقش آن در صحنه جهان است. با نرخ گاز مصوبه اوپک یعنی ۴ دلار برای هر میلیون بی تی. یو سوسیال امپریالیسم روسیه نمیتواند بهانه ای برای چانه زدن با ایران داشته باشد. وزیر نفت ایران نیز اعلام کرده است که مذاکرات ایران و شوروی برای فروش گاز ایران بر مبنای تصمیمات اخیر اوپک ادامه خواهد یافت. الجزایر نیز بهای گاز صادراتی خود را به فرانسه دوبرابر خواهد کرد. اوپک به اتفاق آراء تصمیم گرفت که از این پس بهای گاز با قیمت معادل حرارتی نفت خام بستگی پیدا کند. این در واقع همان اصلی است که ایران میخواست به غارتگران روسی بقیماند ولی منطق غارتگران اجازه نمی دهد که آنها چنین چیزهایی را بقبهند.

وحدت اوپک در کنفرانس اخیر، امر مثبتی است برای تحکیم موضع استقلال طلبانه ضد امپریالیستی در میان کشورهای صادر کننده نفت، که هر روز بیش از پیش اهمیتشان در سرنوشت جهان روشن می شود. البته اوپک تا رسیدن به استقلال کامل و تأمین همه جانبه حقوق خود راه درازی در پیش دارد ولی طلبیه اوچگیری جنبش استقلال طلبانه در جهان سوم و عمق یافتن تضادهای درونی سیستم امپریالیستی، آینده درخشانی برای اوپک ترسیم می کند.

بروز اختلافات و دودستگی بین هیئت حاکمه دست نشانده افغانستان شده است. بقرار گزارشات رسیده کیشتمن اقتصاددانان مشهور که از اقلیت شیعه و ازایل هزاره است از همکاری با "شورای انقلاب" خودداری کرده است. بنابه همین گزارشات سلطان علی کیشتمن که وزیر برنامه ریزی و نزدیکترین دستیار ببرک کارمل است تقاضای طرح خروج نیروهای روسی از افغانستان را کرده است.

ارتش اشغالگر روس که اکنون تعداد افراد آن به دویست هزار نفر رسیده است با فرارسیدن فصل بهار حملات وحشیانه خود را بر علیه مجاهدین بطور گسترده ای افزایش داده است. مبارزین افغانی با وجودی که از حیث سلاح و دارو در مضیق هستند با روحیه بسیار قوی و فداکاری های خارق العاده به مبارزه ادامه میدهند.

اخیرا عبدالرسول سیفی رهبر اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان اظهار داشته است که رزمندگان مسلمان افغانستان برای مقابله با قدرت هوایی و نیروی زرهی ارتش روسیه احتیاج به سلاحهای پیشرفته دارند. وی ادامه داد که ملت افغانستان ثابت نموده است که قادر به مقابله با نیروهای متجاوز روسیه که از نظر تجهیزات بر آنان برتری دارند می باشد لیکن سلاحهای مدرن و پیشرفته شیدا مورد احتیاج آنهاست. وی همچنین اعلام کرد با وجود اینکه کشورهای اسلامی در کنفرانس اخیر اسلام آباد موافقت کردند که مبارزین افغانی را در زمینه مالی یاری خواهند کرد ولی تاکنون چنین کمک هایی به مبارزین نشده است.

باتوجه به نیاز مبرم مبارزین افغانی به سلاح، کمک های مادی و معنوی و پشتیبانی وسیع سیاسی در سطح بین المللی، کشورهای شرکت کننده در کنفرانس اسلامی که ماه آینده در اسلام آباد پاکستان تشکیل میشود. بایستی به خواسته های محققان مردم افغانستان جواب مثبت داده و به وعده های خود جامه عمل بپوشانند. ما امیدواریم که کنفرانس

جهان دوم حاضر به محاصره اقتصادی ایران نیست

روز جمعه گذشته خبرگزاریها گزارش دادند که دولت ژاپن بطور محرمانه به کمیته‌های وارد کننده نفت ژاپن اجازه داد که نفت را به بهای هر بشکه ۳۵ دلار، یعنی قیمت پیشنهادی ایران خریداری کنند. اما با افسای این مطلب، دبیرکل سازمان انرژی و منابع طبیعی ژاپن در دیدار با ویلیام بارامو، فرستاده آمریکا، ضمن تکذیب این خبر اعلام کرد که ژاپن کماکان بر موضع سابق خود یعنی تحریم خرید نفت ۳۵ دلاری ایران با فشاری خواهد کرد.

صدور نفت ایران به ژاپن از ۲۵ روز پیش بدلیل افزایش بهای نفت از سوی ایران قطع شد ولی از هفته گذشته حمل نفت به ژاپن با قیمت ایران شروع شد. اما ژاپن میل ندارد که این افزایش بها را بطور آشکار و علنی قبول کند. چرا که از یکطرف تعهداتی در قبال آمریکا دارد و مجبور است بطور ظاهری تا حدودی از اقدامات آمریکا تبعیت کند و از طرف دیگر اگر نخواهد قیمت پیشنهادی ایران را بپذیرد الزامی باید در مصرف نفت صرفه جویی کند ویا برای خرید به بازارهای آزاد و دیگر کشورها مراجعه کند. قیمت نفت در بازارهای آزاد جهان حتی به بشکه‌ای ۴۴ دلار یعنی ۹ دلار بیش از قیمت پیشنهادی ایران میرسد و کشورهای دیگر عضو اوپک نیز بسختی میتوانند جوابگوی نیازمندیهای ژاپن باشند. مازاد بر اینکه کشورهای عضو اوپک تصمیم گرفته اند نفت خود را جانشین نفت ایران نکنند. از همین روست که ژاپن عملاً نمیتواند بطور در بست دنباله رو آمریکا و بی اعتنا به جهان سوم باشد.

در این میان، آنچه که میتواند اهمیت تعیین کننده‌ای بیاید سیاست کشورهای جهان سوم در قبال این کشورها است. کشورهای جهان سوم در مسیر مبارزه برای استقلال، برای منفرد کردن دوا بر قدرت، باید به جلب جهان دوم و برقراری روابط برابر با آنها بپردازند، چرا که کشورهای جهان دوم بطور عینی تضاد های فراوان و شدیدی با دوا بر قدرت دارند و حتی در بسیاری زمینه ها مورد تهدید و فشار این بزرگترین دشمنان استقلال و آزادی کشورها و ملتها هستند.

تجربه چند ماهه اخیر ایران بخوبی گواهی میدهد که چگونه میتوان از تضاد میان امپریالیسم آمریکا و کشورهای اروپایی بفرصت استقلال کشور بهره گرفت. همین یکماه پیش وقتی خطر حمایت آلمان از تحریم اقتصادی ایران آشکار شد، بسیاری از کمیته‌های آلمانی که با ایران رابطه داشتند به مشتریان خود در ایران اطلاع دادند که حتی اگر محاصره رسماً و عملاً از جانب آلمان صورت بگیرد، آنها با امضای قراردادهایی با تاریخ قبل از موعد محاصره اقدام به فروش کالا به ایران خواهند کرد. یعنی اگر محاصره از اول خرداد شروع شود، یک کمیته آلمانی مثلاً در روز ۱۰ خرداد قسراً دادی با طرف تجاری خود در ایران به تاریخ ۱۵ اردیبهشت امضاء خواهد کرد و به بهانه اینکه قرارداد قبل از تحریم انجام شده، به ایران کالا خواهد فروخت. وزیر خارجه ایران طی مصاحبه‌ای در اروپا اعلام کرد که پس از اعلام رسمی تحریم اقتصادی ایران از سوی آمریکا بیش از ۱۲۰۰ شرکت تجاری حتی آمریکایی در سراسر دنیا به نمایندگی های بازرگانی ایران مراجعه کرده و آمادگی خود را برای انجام معاملات تجاری با ایران اعلام داشته‌اند.

تجربه کشورهای جهان سوم و همچنین تجارت یکساله اخیر در میهن ما نشان داده‌اند که هرگاه در برابر ممالک جهان دوم سیاست درستی در پیش گرفته شده، آن سیاست همراه با موفقیت و بسود استقلال کشور و تحکیم حاکمیت ملی بوده و بر عکس هر زمان انقلابی گری کاذب حاکمیت یافته و کشورهای امپریالیستی جهان دوم هم‌ردیف با آمریکا مورد حمله بدون تمایز قرار گرفته‌اند، دود این سیاست نادرست بچشم خود ما نیز رفته است. البته سیاست اساسی اقتصادی ما در مقابله با دوا بر قدرت و خنثی کردن محاصره های اقتصادی، تکیه به نیروی خود و شکوف کردن اقتصاد ملی و تولیدات داخلی است. اما در جهت عملی ساختن این هدف اساسی در پیش گرفتن یک سیاست درست در قبال کشورهای جهان دوم عامل مثبتی است که باید از آن استفاده نمود.

آینده کشورهای اسلامی بتواند کام موفری در وحدت این کشورها بخاطر مبارزه بر علیه دوا بر قدرت، دفاع و پشتیبانی از مبارزات دلاورانه مردم افغانستان و محکوم کردن تجاوز فاشیست های روسی باین کشور بردارد.

در روسیه هراتومییل خانوادگی بین ۱۵ تا ۱۸ هزار دلار ارزش دارد. حقوق هیچ کدام از کارکنان دولتی اعم از کارمندان و کارگران که بین ۱۸۰ تا ۲۱۰ دلار است کفاف خرید یک اتومبیل را نمیکند. ورزشکاران روسی که نشان بین ۱۸ تا ۲۲ سال است هر کدام دارای یک اتومبیل شخصی اند.

درآمد ورزشکاران حرفه‌ای دوا بر بروجتی گاهی سه تا چهار برابر کارگران کاخانه، پزشکان، مهندسی و آموزگاران است. هرچه ورزشکار موفقیت بیشتری داشته باشد درآمدش بیشتر و شانس بیشتری برای بقیه در صفحه ۲

میکند که نیروهای روسی ارتش مزدور دولت بزرگ کامل در کوهستانهای هندوکش با مقاومت شدید مجاهدین روبرو گشته و تجاوز گران روسی در سرکوب میهن پرستان بامشکلات زیادی روبرو گشته‌اند. از طرف دیگر رشد مبارزات مردم باعث تاء مین میکنند.

ورزش در روسیه توسط "کمیته ورزش" که یکی از ارگانهای هیئت وزیران روسیه است اداره میشود. این کمیته مسئول استخدام و اخراج ورزشکاران، کنترل تعلیم آنها و گزینش ورزشکاران برای تیمهای مختلف المپیک میباشد. تصمیم های این کمیته در رابطه با شرکت ورزشکاران در تیم های المپیک با یستی توسط کمیته مرکزی " حزب کمونیست " تاء یبید و بتمویب برسد. بهمین خاطر کمیته المپیک را یکی از اعضای کمیته مرکزی حزب و معاون شورای وزیران اداره میکند.

بوریس یسورین یکی از نویسندگان پیشین روزنامه "پراودا" که از شوروی گریخته، حقایق تکان دهنده‌ای را درباره ورزش در روسیه فاش کرده است. ورزشکاران حرفه‌ای بر طبق قانون با زی های المپیک از شرکت در بازی ها مطلقاً معاف میباشند، ولی بگفته بوریس تیمهای المپیک روسیه را ورزشکاران حرفه‌ای تشکیل میدهند.

ورزش در روسیه مثل سایر مشاغل از قبیل آموزگاری در مدارس و کارگری در کارخانه ها حرفه‌ای است. ورزشکاران روسی توسط باشگاههای ورزشی استخدام میشوند. بهترین و ثروتمندترین این باشگاهها متعلق به وزارت جنگ و سازمان جاسوسی روسیه "ک.گ. ب" است. این باشگاهها عبارتند از "باشگاه مرکزی ارتش" و "دینامو". این باشگاهها بهترین ورزشکاران را برای تیم های المپیک روسیه

خدمت مردم تازه است. با وجود آمدن سرمایه داری، ورزش خلعت اولیو و واقعی خود را از دست داده و به وسیلهی در دست عده‌ای سرمایه دار جهت تبلیغات و خالی کردن جیب مردم و رقابت و برتری بین کشورها و قدرتهای جهانی تبدیل شده است. ورزش دیگر خلعت توده‌ای خود را از دست داده و به مقوله‌ای انحصاری و حرفه‌ای مبدل گشته است.

بدیهی است که کشورهای سرمایه داری و امپریالیستی با در دست داشتن هرگونه امکانات و تربیت ورزشکاران حرفه‌ای و تمام وقت در صحنه های ورزشی در جهان پیشرفت ها و مداخله‌ای زیادی را بخود اختصاص میدهند. امپریالیست ها این رکورد و مداخله را ب حساب برتری و نیرومندی و پیشرفت سیستم ها و حکومت های خود میاورند و این در حالیکه کشورهای جهان سوم که زیر سلطه امپریالیست ها هستند و

رنجبر و خوانندگان

خلق افغان پیروز میشه

مبارزه با سرمایه‌داری ملی = آوردن روسها به میهنمان

امپریالیسم تحت نام "سوسیالیست" و غیره از طرف دیگر. اگر کمی دقت کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که برای مبارزه با امپریالیستها با یستی احتیاجات بازار داخلی را به وسیله نیروهای ملی پر ساخت. این سازمانها که با نیروهای ملی و سرمایه داری ملی مبارزه میکنند با یستی از همین حلاله فکر پر کردن با زار داخلی ایران عزیزمان نیز بشود و از طریق روسهاست. پس بی جهت نیست که مبارزه با سرمایه داری ملی را با پشتیبانی به طسرق مستقیم ویا غیر مستقیم از روسها را در یک زمان با هم به جلو می‌برند.

آوانسیان

می گفت: ایرانی ها از ما افغانی ها کم اطلاع دارند. فکر می‌کنند ما برای بول می‌آئیم به ایران ولی ما مجبور شدیم بی‌آئیم ایران. خیلی زود بر میگردیم جبهه. گفت: هرات چطور بود؟ گفت: وقتی خردار شدیم روس ها دارند می‌آیند، بعضی ها تنگ برنو داشتند ولی اکثراً درختها را شکستند با آنها خوب دستی درست کردند. نوبی خبابانها لاستیک و بنزین روس ها را کشیم. آنها تسوپ و تانگ داشتند. آنها خیلی از ما را کشتند. اما مردم همینطوری مبارزه می‌کردند با خوب، جاقو. گفت: خلق افغانستان پیروز میشه. گفت: آره، یک کمی طولانیه، روسها خیلی سرباز و تانگ آورده‌اند ولی مردم با هرچه دستشان بیاید مبارزه می‌کنند. مثل مردم ایران بالاخره پیروز می‌شوند. در آخر قول داد برای رنجبر از افغانستان بنویسد.

جوان ۱۴-۱۳ ساله‌ای بود که کنار خیابان دستفروشی می‌کرد (کش دمایی پلاستیک می‌فروخت). روز کارگر بود و من داشتم رنجبر و ویژه روز کارگری فروختم، رفتم پیش بساطش. گفت: رنجبر میخواهی؟ گفت: بله میخواهم. گفت: تا حالا رنجبر خوندی؟ گفت: آره چند شماره خواندم، مخصوصاً مقالات مربوط به افغانستان را گفت: من افغانی هستم و تازه از افغانستان با پدرم آمدم. از هرات آمدم. وقتی روسها آمدند، بردها و پسرهای جوان را می‌گرفتند، می‌بردند زندان. ما در ده زندگی می‌کنیم وقتی این خبر را شنیدیم، من و پدرم بیاده راه افتادیم طرف مرز ایران. مادرم خواهر هایم آنجا ماندند. از آنها فعلاً خبری نداریم. خیلی از مردهای فامیل رفتند جبهه. من هم می‌خواستم بروم ولی گفتند فعلاً کوچک هستی. ولی من برمیگردم وطنم، می‌خواهم بروم جبهه.

حجت الاسلام دبائی به سرپرستی "اطلاعات" منصوب شد

اطلاعات را از حاکمیت مزدوران روسیه خارج سازیم

بفرمان امام ورشیس جمهور، حجت الاسلام دبائی به سرپرستی مؤسسه روزنامه "اطلاعات" منصوب شد. از متنی دستورا ما چنین برمیآید که این انتصاب بخاطر در خدمت مردم و انقلاب قسرار دادن روزنامه "اطلاعات" انجام گردیده و همچنین در حکم صادره از جانب ریاست جمهوری گفته شده: "برای آنکه محیط آزاد بمعنای درست کلمه بوجود آید لازم است روشهای کنونی که یکسره بر تحریک و تخریب پیش بگیرد که روزنامه میدان برخوردارهای گروهی و حاکمیت های دسته ای نشود...

و در واقع روزنامه "اطلاعات" چنین بود. مزدوران روسیه با تحریک و تخریب حاکمیت خود را به روزنامه گسترده بودند و لذا روزنامه علیه منافع مردم و انقلاب بود.

قبلا در "رنجبر" شماره ۴۸ سه شنبه ۱۶ اردیبهشت ماه در مقاله ای درباره وضع "کیهان" نوشتیم که انقلاب برای دسته ای از عناصر مزدور صفت در روزنامه های رژیم وابسته شاه تنها یک تنفس کوتاه بود تا ارباب خود را عوض کنند (از آمریکا به روسیه) و خدمتکاران سران حزب توده هم که قبلا بسا حق السکوت در همین دستگاہ نان میخوردند، بجنب و جوش افتادند تا بهتر بتوانند وظیفه میهن فروشی خود را نسبت به ارباب در حال تهاجم خسود به تروبا دست باز تر انجام دهند.

نوشتیم که چگونه "اطلاعات" متخلفانده...

در هر فرصتی یک تیترو درشت در باصطلاح حمایت غروری از ایران می آمد، مثلا در هنگام قطع رابطه با آمریکا در حالیکه محبت مردم براتکاء به نیروی خود او متوقف و پایداری بود، "اطلاعات" با تیترو درشت در صفحه اول اعلام آمادگی شوروی و اقرارش را برای تحویل کالا به ایران و تربیت تکنیسین و ... تبلیغ کرد. (چهارشنبه ۳ اردیبهشت). قبلا هم در موقع تهدید نظامی آمریکا در خلیج فارس در حالیکه مردم به مبارزه و ایجاد ارتش بیست میلیونی فکر میکردند، اطلاعات تیترو درشت: "شوروی از ایران حمایت میکند" را اول کرده بود (در همان روز روس نامه "مردم" و کیهان هم همین تیترو را زدند).

این تبلیغات تا حدود دروغ پردازی درباره وضع داخلی شوروی و کشورهای اقرارش پیش رفته بود. از جمله مطالب مفصل و مبسوطی که درباره "وضع بسیار خوب" روزنامه بجای میرسد.

از هنگامیکه تجسس و فاشیستی شوروی به افغانستان آغاز گشت روزنامه اطلاعات وظیفه توجیه این تجاوز را به عهده گرفت و به مبارزات خلق قهرمان افغانستان برای استقلال نه تنها اشاره ای نکرد بلکه از قول منابع روسی و نوکرانی به تهمت زدن و نا چیز و خوار شمردن این مبارزات پرداخت. و قیحانه ترین و حیله گرانه ترین این خوش خدمتی به سوسیال فاشیستهای روسی چاپ سریال شخص معلوم الحالی چون...

رهبری سازمان چریکها و باند کیانوری رقابت در نوآوری روس

رهبری غاصب و ورشکسته سازمان چریکهای فدایی طی مقاله ای در نشریه "کار" ۵۶ آخرین ابداعات و دستاوردهای باصطلاح تئوریک خود را به منصفانه طور گذاشت! و بیان قدم بزرگ دیگری در خدمت به امپریالیسم روسیه برداشت.

در این مقاله مسائل بسیاری از جمله اعلام وفاداری به سوسیال امپریالیسم، نفی شی احمد زاده نفی شعار "نه شرقی، نه غربی" و غیره مطرح میشود. که بموقع و مفصل به این اراجیف آشنای روزیونیستی و انقیاد طلبانه جواب خواهیم داد.

اما مقدمات از درون این مقاله یک سؤال جدی برای خوانندگان و هواداران "سازمان چریکها" مطرح میشود. سؤال اینست که آیا این رهبری غاصب که در سابق تنها سری در مقابل شوروی خم میکرد، و اینک به وجود درباری این ابر قدرت استعمارگر و متجاوز افتاده است، آیا به سوی وحدت و باند کیانوری خواهد رفت؟ جواب رهبری غاصب منفی است زیرا تازه رقابت حاد شده است!

درین مقاله رهبری غاصب سازمان چریکها تمام اتهامات خود را در مورد روزیونیستی بودن شوروی بدور میافکند و تزئینایی خود را چنین صادر میکند که "نیروی عمده و تکیه گاه اصلی انقلاب" شوروی است و لذا جنبش ضد امپریالیستی و استقلال طلبانه خلقهای جهان سوم را بهیچ میگردد پس باید نزدیکترین متحد و همسنگری عوامل مستقیم تأیید شده شوروی یعنی دارودسته رهبری حزب توده باشند. معذا رهبری غاصب سازمان چریکها دست دوستی باند کیانوری را پس میزند چرا؟

مساله اینست که رهبری غاصب سازمان چریکها نه تنها روسوفیل روس پرست است بلکه در روس پرست بودن، انحصار طلب تمام عیاری نیز هست. در واقع رقابت شدیدی بر سر انحصار نوگری سوسیال امپریالیسم بین رهبری غاصب

سازمان چریکها و باند کیانوری موجود است.

چندی پیش اخباری مبنی بر سفر هیئتی از رهبری غاصب سازمان چریکها به مسکو و مذاکره با باند برژنف - سولف شایع شد. همچنین شاهد دیگری مبنی بر پشتیبانی بعضی از احزاب روزیونیستی و وابسته از این دارودسته در کنفرانس پاریس به گوش میرسد.

رهبری سازمان چریکها در مقاله مورد بحث میگوید محمل تئوریک برای نشان دادن ائتلاف خود با باند کیانوری پیدا کند: آنها میگویند که وابستگی به کشورهای "سوسیالیستی" تنها نیمی از ماجراست، باید به ایجاد وسیعتر آن و همچنین باصطلاح "بسیج طبقه کارگر" نیز نظر داشت. آنها به رهبران حزب توده ایراد میکنند که "امرا وحدت نیروهای انقلاب در عرصه جهانی را در ایجاد وسیع توده های آن در نظر نمیگیرند و بیش از متکی شدن به توده ها و بسیج آنها حول سیاست مستقل طبقه کارگر، بر حمایت اردوگاه سوسیالیستی متکی میگردد".

در واقع رهبری غاصب سازمان چریکها نفرت بیشتر و حجم بزرگ تر هواداران خود را به رخ برزنف - سولف میکشد. تا امتیاز خود را بر باند کیانوری نشان دهد و به اربابان چشمک بزند، که این ما هستیم راه گسای سریع و "انقلابی" راه سوسیال امپریالیسم نه رهبری بی لیاقت حزب توده.

البته روشن است که در حال حاضر، کرملین همچنان از نوکران قدیمی خود (باند کیانوری) دفاع میکند، لکن در مورد باند جدید یعنی رهبری غاصب سازمان چریکها حداقل به بررسی و مطالعه مشغول است. اینست مضمون اصلی آشنی و دعوی دوباند سرسپرده و وفادار به مسکو.

از نشریه «پیام جبهه ملی» توطئه برای تعطیل انتخابات گرومانشاه در مرحله دوم انتخابات مجلس، مانع رای گیری برای تعیین نماینده مردم گرومانشاه شدند

نشریه "پیام جبهه ملی" ارگان جبهه ملی ایران در شماره ۱۴ تاریخ یکشنبه ۲۱ اردیبهشت مطالبی درباره بتعویق انداختن انتخابات گرومانشاه در مرحله دوم با عنوان "توطئه برای تعطیل انتخابات گرومانشاه" به چاپ رسانده و متن تلگراف دکتر کریم سنجابی به رئیس جمهور که قبل از انتخابات ارسال شده بود را نیز درج کرده است. این نوشته و متن تلگراف را در زیر میخوانید:

باینکه انتخاب دکتر کریم سنجابی مبارز دیربای نهضت ملی ایران در دوره اول انتخابات گرومانشاه بطور مطلق صورت پذیرفت ولی محافل انحصارگرا و دست اندر کاران انتخابات تعدادی از صندوقها را که آراء آن همه بنام دکتر سنجابی بصندوق ریخته شده بود مخدوش و باطل اعلام کردند تا با این ظاهر سازی اینطور قلمداد کنند که ایشان اکثریت مطلق نداشته است و انتخابات را بمرحله دوم کشاندند در مرحله دوم باینکه تا روز قبل از انتخابات مرتباً و حتی از طریق رادیو تلویزیون گفته میشد که انتخابات انجام داده خواهد شد یک مرتبه در ساعت یازده شب به بهانه یک تحصن ساختگی که گویا عده ای حدود ۶۰ نفر متخصص شده اند و بعضی از آنها مسلح هستند انتخابات را به تعویق انداختند. در این مورد اطلاعات مبسوطی بما رسیده است که در شامهای آینده به اطلاع ملت شریف ایران خواهیم رسانید و فعلاً تلگراف آقای دکتر سنجابی را

مزدوران روسیه در مطبوعات است و از آنجا کیهان را هم میگردانند و مواد لازم را برای روس نامه " مردم هم تامین میکنند. دارودسته مزدوران روسیه و توده‌ای با حیل و حقه، تخریب و شانناژ تا کنون حاکمیت خود را بر دوزخنا " بنیاد مستضعفان " حفظ کرده و خط سیاسی ارباب خود یعنی خط انقیاد طلبی، کوبیدن استقلال طلبان و مخالفان وابستگی را در همه زمینه‌ها به پیش برده اند. هر ایرانی میهن پرستی که تگاهی بسه تیترا و مطالب روزنا بسه اطلاعات در یکسال گذشته انداخته، متوجه این واقعیات شده است.

روزنامه اطلاعات در یک سال گذشته هیچ فرصتی را از دست نداد تا ازتها جمعات امپریالیستی روسیه در سطح جهان دفاع کند و تزارهای نوین را " ضدا امپریالیستی " و دوست خلقهای جهان بنمایاند.

" در افغانستان چه میگذرد " در شماره است که سراسرتلیخ نظریات بیبرک کارمل مزدورو تخطئه مبارزات من مردم افغانستان بود. این سریال که در اواخر بهمن از " سفر اختصاصی " منصور تاراجی به افغانستان تهیه شده بود، در فروردین ماه با استفاده از اوج گیری مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا چاپ شد تا بخوبی شیوه استفاده از " تنور داغ برای چسباندن نان " را بکار ببرند.

در زمینه روابط معاملات ایران با شوروی، دارودسته طرفدار روسیه در " اطلاعات " آنقدر دست خود را در خدمت به کرملین باز میزد که نیازی نمیدید حتی در ظاهر هم که شده منافع ایران را در نظر بگیرد. مثلا " در مورد فروش گاز بسه شوروی که بیش از ده سال تقریبا " مجانی بنگارت رفته، وقتی گام امپریالیستیهای روسی قیمت عادلانه را

در صفحه اول و در کنار ربحفشی از شخصیت‌های مذهبی و ملیتی سرشناس قرار داد که در واقع معلوم بوده هدف، جا انداختن مزدوران روسیه در جنبه سیاسی مملکت است و آوردن نام و نظرات دیگران هم پوششی است بر هدف اصلی و هم کسب وجهه برای مزدوران کسبه نامشان در کنار شما میآید. آخرین " شاگزار " اطلاعات میزگرد وحدت " است. " اطلاعات " با این میزگرد کذائی خواست هما نظر کرده در صفحات روزنا ما ش بسه تشبیهت مزدوران روسیه و طرفداران و سازشکاران با آن در کنار برخی از نیروهای سیاسی برداخته، در عمل نیز این نیروها را کنار هم بنشانند. هدف از این کار رنگ و لعاب زدن به چهره منفور و سابقه خیانت با رهبران حزب توده، از انزوا در آوردن آنان و کسب وجهه برای مزدوران و بسه در صفحه ۲

سازمانی است با گذشته مبارزاتی علیه رژیم شاه و رژیم عراق و دارای موضع مخالف دو ابر قدرت آمریکا و شوروی. انحراف اساسی " کومه " در برخورد " چپ " روانه آن به دولت ملی جمهوری اسلامی و برداشت ملی گرایانه افراطی و تنگ نظرانه از مساله کردستان نهفته است. ما " کومه " را نیروی غیر وابسته ای میدانیم که در صورت تصحیح مواضع انحرافی چپ روانه خود قادر است در جنبه اتحاد بزرگ ملی علیه دو ابر قدرت قرار گیرد. لیکن در حال حاضر معتقدیم که این انحرافات " چپ " کومه است که عمده گشته و به مزدوران باند کیانوری اجازه میدهد تا از این طریق به مارکسیست لنینیست‌های واقعی یعنی هواداران اندیشه ماوتسه دون و کلیه استقلال طلبان تحت عنوان حمله به " ماوتسیسم " یورش برند.

حزب رنجبران ایران ضمن تاکید بر مرز بندی اصولی خود با کلیه انحرافات " کومه "، حملات باند کیانوری را به این سازمان در خدمت اهداف مزورانه این دارودسته در جهت بر آوردن اهداف سوسیال امپریالیسم روس و وابستگان روسیه در کردستان (باند بلوریان) میداند. ما به نیروهای ملی حاکم هشدار میدهیم که در دام باند کیانوری نیفتند و میان نیروهای وابسته و غیر وابسته تفاوت قائل شوند. در خاتمه، تذکر میدهیم که حزب ما هیچگونه

دولت بطور جدی تر به این مسائل بپردازد از پشتیبانی و همکاری همه مردم برخوردار خواهند شد و کارها به سرعت به پیش خواهد رفت. تنها در این صورت است که میتوان خرابکاریهای عوامل ضد انقلاب را در این مورد خنثی کرد. بعنوان مثال یک واقعه ای در دهکجی محله اتفاتی افتاد که ناشی از فقر و تنگدستی ما روستائیان و همه زحمتکشان میباشد که عین حادثه را نقل میکنم: به ولی خبر دادند که گاوش گم شده است از آن جایی که اینقدر به گاو علاقمند بود و وابستگی اقتصادی به آن داشته که از شدت ناراحتی سکنه میکند، این است درد ما روستائیان و زحمتکشان دیگر.

از شما حزب رنجبران ایران که گوینده دزدما زحمتکشان هستید میخواهم که عین نامه را چاپ نمایید.

سلسی
از یکی از روستاهای
هشتپرطوالش

جمهوری مخابره شده است درج مینمائیم.

تلگرام دکتر سنجابی:

جناب آقای بنی صدر ریاست جمهوری!

رونوشت عینا روزنامههای اطلاعات، کیهان، بامداد، پیام جبهه ملی، بطوریکه استحضار دارید اینجانب برای شرکت در مرحله دوم انتخابات مجلس شورای ملی به کرمانشاه آمده ام، اینک کسانی که میخواهند از انتخاب شدن اینجانب به هر تشبیتی که ممکن باشد جلوگیری نمایند بنام جامعه روحانیت کرمانشاه که چند نفر از آنان در انتخابات دوره اول شکست خود هاند اعلامیه ای صادر کرده و با همدستی بعضی از مقامات محلی در مقام وادار کسردن انجمن نظارت به استعفاء و اعلام بطلان انتخابات مرحله اول بسر آمده اند، زیرا آنها حساب کرده اند که هرگاه این انتخابات باطل شود اینجانب بعلت خروج از حد نصاب قانونی سن حق شرکت در انتخابات مجدد نخواهم داشت، لازم دانستم مراتب را به اطلاع آن جناب برسانم تا به هر ترتیب که مقتضی بدانند از این دسیسه مخالف قانون و مخالف اخلاق که موجب انفجار نارضایی در این استان خواهد شد جلوگیری فرمائید.

دکتر کریم سنجابی
۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۹



هم میهن مبارز، خواننده رنجبر:

انتشار روزانه
«رنجبر»
در گروه
کمک های
مالی شماست

بانک ملی ایران
تهران شعبه خیابان ایران شهر
شماره حساب ۴۵۲۶۸

کمک مالی
دانش آموزان به «رنجبر»

رفقای نشریه رنجبر سلام

ما دانش آموزان مدرسه راهنمایی توانایی، واقع در خیابان ۱۷ شهریور با تمام کوششی که بعمل آورده ایم و با توجه به امکانات مالی رفقای محصل مبلغ زیر را برای نشریه رنجبر جمع آوری نمودیم. امید پیروزی روز آزون شما رفقای انقلابی و همچنین انتشار روزانه آن نشریه مردمی را داریم.

با تقدیم احترام
از طرف دانش آموزان مدرسه راهنمایی توانایی

خانم م ۷۰۰ ریال
خانم ن ۲۰۰ ریال
خانم م ۱۰۰ ریال
خانم م ۱۰۰ ریال
خانم آ ۲۰۰ ریال
خانم ژ ۱۰۰ ریال
جمع کس: ۴۰۰ ریال